



شماره ۳۷۸۵

بریده جراید



از تاریخ: ۹۶/۰۵/۰۸ تا تاریخ: ۹۶/۰۵/۱۴

فهرست مطالب بریده جراید (شماره ۳۷۸)

عنوان مطلب	روزنامه	صفحه روزنامه	تاریخ چاپ
کابینه دوازدهم و آینده پوپولیسیم سیاسی و اقتصادی	سایت تاجران	-	-
درجه ریسک‌گریزی ایرانی‌ها کم است	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۰۸
دورخیز دلار	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۰۸
غیبت صدای واحد در بخش خصوصی	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۰۸
وابستگی پروژه‌های عمرانی به منابع خارج از بودجه	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۰۹
بانک‌ها در تله دولت	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۰۹
عدم تعادل در توانمندسازی تجاری	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۰۹
توسعه درون‌زا؛ کارآفرین یا سرمایه‌گذار؟	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۱۰
فرمانده بی اختیار	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۱۰
خودانتقادی بخش خصوصی	دنیای اقتصاد	۵	۹۶/۰۵/۱۰
پدیده قاچاق رسمی آفت مبارزه با اقتصاد کثیف	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۱۱
سرنوشت نامعلوم حاکم پولی	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۱۱
هم‌اندیشی دولت و بخش خصوصی برای تجارت خارجی	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۱۱
نوبت به جراحی اقتصادی رسید	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۱۴
مسیر علاج بهره‌وری صنعتی	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۱۴

قابل ذکر است کلیه مطالب عنوان شده در فهرست فوق در سایت انجمن به نشانی www.aiti.ir در بخش «برگزیده نشریات» قابل رویت می باشد.

کابینه دوازدهم و آینده پوپولیسم سیاسی و اقتصادی

پورمجد

فعالان اقتصادی اخبار مربوط به ترکیب کابینه دوازدهم را از نزدیک دنبال می‌کنند و همزمان در همین فرصت باقیمانده سعی دارند تا از طرق مختلف، مطالبات و انتظارات خود را به گوش ریاست جمهوری برسانند. بحث سهم خواهی و تامین مطالبات جناحی هر چند قابل انتظار بوده ولی این روند نباید به ارجحیت منافع جناحی بر منافع ملی بیانجامد و ضرورت و اولویت دستیابی به رشد اقتصادی نباید نادیده گرفته شود. این امر در نامه ۷۱ اقتصاددان کشور به رئیس جمهوری مشهود بود که طی آن، کارشناسان اقتصادی نسبت به فشارها و چانه زنی های سیاسی که احياناً منجر به عملکرد ناموفق اقتصادی دولت دوازدهم شود ابراز نگرانی کرده بودند.

نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آخرین نمونه از هشیاری و پختگی ملت ایران در لحظات مهم تاریخی برای تصمیم گیری های سرنوشت ساز بود. در این انتخابات مردم به پیام عقلگرایی و برونگرایی یک آری بزرگ گفتند و پوپولسیم را نفی کردند. اکنون ریاست جمهوری با سرمایه عظیم اجتماعی که پشتوانه دولتش است باید روندی را که از چهارسال پیش آغاز کرده با قدرت بیشتری به پیش ببرد و کابینه دوازدهم تعیین اراده مردم در نفی پوپولیسم اقتصادی و سیاسی باشد.

فعالان اقتصادی با بیم ها و امیدهای زیادی روند شکل گیری کابینه دوازدهم را پیگیری می‌کنند. کابینه یازدهم موفق شد با اقدامات کارشناسی، ثباتی نسبی در عرصه های مختلف سیاسی و اقتصادی ایجاد کند و اطمینان را به فضای کسب و کار بازگرداند. با ورود ایران به دوران پساتحریم، امکان تعامل بهتر با شرکای منطقه ای و بین المللی فراهم شده تا گام های مهمی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و نهایتاً افزایش تولید و کاهش بیکاری برداشته شود. منطقی است که کابینه دوازدهم آینه تمام نمای رویکردهای متکثری باشد که در جامعه و احزاب سیاسی وجود دارد. ولی جهت جامع این کابینه باید ادامه راه عقلگرایی، تعامل، اعتدال و برون گرایی باشد که طی دو سال گذشته باعث گذار به دوران پسابرجام شد.

برای تحقق اهداف فوق، رویکرد حاکم بر کابینه باید اولویت قائل شدن برای رشد پایدار اقتصاد باشد و این امر به هیچ وجه مختص به تیم اقتصادی دولت دوازدهم نمی‌شود. همانطور که سید مرتضی افقه به درستی اشاره کرده، در کشور ما متغیرهای اقتصادی، تحت تاثیر انبوهی از عوامل غیراقتصادیست که باید در تحلیل ها و تصمیمات اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. به همین علت، رویکرد وزرای غیراقتصادی کابینه هم مستقیماً بر شرایط اقتصادی کشور تاثیر دارد. برای مثال با نگاهی به ثمرات مثبت اقتصادی برجام می‌توان به نقش مهم وزرات امور خارجه در روند تولید و اشتغال زایی در کشور واقف شد.

همه ناظران و متخصصان اقتصادی متفق القولند که مسئله بیکاری کشور می‌تواند به یک بحران جدی امنیتی بدل شود و حل این مشکل مستلزم پیگیری سریع راه حلی برای توسعه اقتصادی است. در این مسیر در طول مبارزات انتخاباتی، نامزدهای

مختلف راه حل های مختلفی را ارائه دادند و مردم با اکثریت آراء به رویکرد دکتر روحانی پاسخ مثبت دادند. البته برنده انتخابات رئیس جمهور همه مردم است و نه فقط اکثریتی که وی را انتخاب کرده و به همین علت کابینه می تواند با آرایشی فراجناحی منعکس کننده همه این گروه ها باشد. ولی این رویکرد فراجناحی به هیچوجه به معنی پذیرش رویکردهای درونگرایانه و ضدتعاملی نباید باشد زیرا که این امر به معنی کند کردن روند توسعه ای است که در دوران پسابرجام شاهدش بوده ایم. رویکرد توسعه تنها یک خواست اقتصادی نیست و بلکه نیاز ملی است که در آراء مردم نیز تجلی پیدا کرده است. با اتخاذ رویکرد فراجناحی با محوریت منافع ملی، می توان امیدوار بود که کابینه دوازدهم با حضور افراد ذی صلاح با گرایش های مختلف سیاسی، با همدلی و هم افزایی در راستای ثبات و امنیت چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه سیاسی حرکت کند. همانطور که محسن جلال پور یادآور شده، همه گروه ها و جناح های دلسوز نظام و کشور باید این واقعیت را بپذیرند که کشور در شرایط حساسی قرار دارد و ضرورت دارد که در چیدمان کابینه از نیروهای متخصص و تکنوکرات استفاده شود. اگر حل و فصل بحران های بزرگ پیش رو، مأموریت اصلی دولت آینده شناخته شود، قاعدتا باید کابینه ای متخصص و تکنوکرات شکل گیرد. در غیر این صورت، متأسفانه دولتی خواهیم داشت که در خوش بینانه ترین حالت می تواند وضع موجود را حفظ کند. پیشتر کارشناسان تاجران از تاثیرات مثبت متولیان بخش خصوصی در کابینه صحبت کرده بودند. حتی اگر این چهره های شاخص حضور مستقیمی در کابینه نداشته باشند، دولت دوازدهم باید ارتباط تنگاتنگی با بخش خصوصی داشته باشد و به مطالبات این بخش که در شایسته سالاری، جوانگرایی و اقتدار تبلور می یابد پاسخ دهد. به گفته مسعود خوانساری، دولت باید در انتخاب وزرای اقتصادی کابینه و سپس مدیران میانی به این اصل توجه کند که افرادی با بینش روشن در مورد همراهی با بخش خصوصی برگزینند. اسناد بالادستی تاکید بر واگذاری امور به بخش خصوصی دارند و بنابراین اگر مدیری معتقد به این دیدگاه و مکلف به اجرای آن نباشد، قطار توسعه اقتصاد ایران را از ریل خارج می کند یا حداقل اینکه حرکت را در این مسیر آهسته می کند. دولت دوازدهم با سرمایه اجتماعی که در کنار خود می بیند و اتکای هرچه بیشتر به دانش و منطق اقتصادی و پتانسیل های موجود می تواند اقتصاد ایران را از بن بست رکود و توسعه نیافتگی خارج کند.

همانطور که ماه گذشته از دکتر نیلی نقل کردم، با توجه به چالش بزرگ بیکاری که به دیگر چالش های اجتماعی دامن زده، لازم است همه سیاستمداران کشور به این نکته توجه داشته باشند که همگی در یک کشتی هستیم و لازم است سرنوشت و سلامت این کشتی برای همگی در اولویت باشد و در این راستا اجماع در خصوص کلیات سیاست های اقتصادی ضروری است و فعالان بخش خصوصی می توانند در ایجاد این اجماع میان مسئولین بسیار کارساز باشند. همانطور که دیگر همکار عزیزمان، حسین سلاح ورزی یادآور شده، اتاق ایران به عنوان بزرگترین و فراگیرترین اتاق فکر و نهاد مدنی کشور، محملی کم نظیر برای چاره جویی مسائل اقتصادی است. امید است در فرصتی که تا نهایی شدن ترکیب کابینه دوازدهم مانده، این اجماع حاصل شود تا منافع ملت و نظام در سایه دولتی با تدبیر و امیدوار به آینده رشد اقتصادی فراهم شود.

درجه ریسک‌گریزی ایرانی‌ها کم است

منیر حضوری: روه وسیعی از جامعه می‌خواهند هزینه درمان بیماری‌ها و حوادث‌شان را به کمترین حد ممکن برسانند. شرکت‌های بیمه‌گر مختلف، پیشنهاد ویژه‌ای به این افراد می‌دهند و در ازای آن می‌خواهند که مردم ماهانه پولی پرداخت کرده و خود را بیمه کنند.

شرکت‌های مختلف برای این کار نرخ‌های متفاوتی را در نظر گرفته‌اند، نرخی که به دلیل استفاده از خدمات درمانی بیمارستانی، درمانگاهی و... دریافت می‌شود. به این ترتیب اغلب هزینه‌های مردم زیر پوشش بیمه قرار می‌گیرد. درباره اینکه وضعیت بیمه‌گذاران در کشور ما چگونه است، چقدر بیمه در کشور جا افتاده و اینکه چقدر بیمه سلامت در مقابل و به ضرر انواع بیمه‌هاست با کارشناسان بیمه به گفت‌وگو نشستیم.

بیمه در ایران به خوبی جا نیفتاده

رئیس پیشین پژوهشکده بیمه با بیان اینکه بیمه در ایران به خوبی جا نیفتاده در گفت‌وگو با صمت مطرح کرد: در ایران تقاضای بیمه کمتر از متوسط دنیاست، به طور مثال سرانه بیمه بازرگانی در سال گذشته حدود ۶۴۰ دلار بوده درحالی که متوسط تقاضای بیمه در ایران حدود ۱۰۰ دلار یعنی کمتر از یک ششم دنیا بوده است. این آمار نشان می‌دهد که بیمه در ایران به خوبی جا نیفتاده است. درباره برخی شاخص‌های دیگر فاصله خیلی بیشتر هم است به طور مثال می‌توان به بیمه عمر اشاره کرد. درحالی که سرانه تقاضای بیمه عمر در ایران ۱۰ دلار است این رقم در دنیا حدود ۳۵۰ دلار است. غدیر مهدوی دلیل اصلی بی‌توجهی مردم به انواع بیمه را در کشور در فرهنگ ضعیف دانسته و تاکید کرد: با اینکه در ایران اتفاقات و حوادث خیلی بیشتر از کشورهای دیگر است اما مردم به اندازه کافی ریسک‌گریز نیستند و خیلی به سمت بیمه‌ها علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. عامل انگیزاننده برای خرید بیمه درجه احتیاط و ریسک‌پذیری آدم‌ها را نشان می‌دهد و بیانگر این است که درجه ریسک‌گریزی ایرانی‌ها بالا نبوده و چندان حساس نیستند. بر اساس آمارها خیلی از افرادی که بیمه نمی‌شوند درجه ریسک‌شان خیلی بالاست و زیاد تصادف می‌کنند. این کارشناس بیمه تاکید کرد: نکته‌ای که در ایران مغفول مانده این است که نهاد ناظر که همان بیمه مرکزی است، کاری نمی‌کند درحالی که با انواع سیاست‌ها می‌شود ریسک‌پذیری را کاهش داد. تصورم این است که اگر فرهنگ‌سازی شود و سختگیری‌ها بیشتر شود مردم هم بیشتر بیمه را جدی می‌گیرند. این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که آیا بیمه سلامت ضربه‌ای به تقاضای بیمه‌های دیگر زده یا خیر، اظهار کرد: بعضی مواقع بیمه‌های بازرگانی هستند که بیمه‌های درمان تکمیلی ارائه می‌دهند، در کنار آن بیمه‌های تکمیلی را داریم که حوادث مازاد را پوشش می‌دهند اما اینکه مردم به سمت بیمه سلامت می‌روند به این دلیل است که تا حدودی بیمه سلامت یارانه‌ای است و مردم پول آنچنانی برای آن نمی‌پردازند. این مسئله هیچ اشکالی ندارد و هرگز به بیمه‌های دیگر ضربه‌ای نمی‌زند. وقتی قرار است خدماتی ارائه شود برای اقشاری که درآمد پایین دارند ما هم استقبال می‌کنیم چراکه این خدمات به افراد مستحق می‌رسد. به این ترتیب گسترش بیمه سلامت را بسیار مطلوب و نشانه بالا رفتن رفاه اجتماعی، وضعیت بهداشت و سلامت کشور می‌دانم.

بیمه محصول ارزشمندی است

یک کارشناس بیمه در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: بیمه محصول ارزشمندی است. چراکه فرد حداقلی را می‌پردازد و در مقابل در شرایط مختلف بیمه می‌شود. خوشبختانه امروز آگاهی مردم ما خیلی بیشتر از گذشته شده و این باعث شده که فرهنگ بیمه بین مردم جا بیفتد. بابک هنرور، ادامه داد: هرچه وضعیت اقتصادی بدتر می‌شود مردم احساس نیاز بیشتری به حل مشکلات خود و یک پشتوانه می‌کنند در نتیجه بیشتر به سمت بیمه می‌آیند. بیمه زمانی به درد فرد می‌خورد که دچار یک حادثه مالی یا جانی شده باشد. در شرایط بد اقتصادی که فرد کمتر پول دارد اگر جایی باشد که از او حمایت کند و باعث شود به وضعیت قبل از خسارت برگردد در نتیجه متوجه می‌شویم بیمه بیشتر به درد می‌خورد. وی با مقایسه وضعیت ایران و کشورهای پیشرفته اظهار کرد: البته در کشورهای پیشرفته فرهنگ بیمه بیشتر از ما جا افتاده است. در دنیا افراد پولدارتر بیشتر به سمت بیمه گرایش دارند و سعی می‌کنند یک ایمنی برای خود به وجود آورند تا آینده‌شان تضمین شود و از خطرات ورشکستگی نجات پیدا کنند. این کارشناس بیمه درباره تنوع بیمه‌ها در کشور و وجود بیمه سلامت گفت: اینکه ما انواع بیمه‌ها را داشته باشیم خیلی خوب است زیرا باعث می‌شود با هم رقابت کنند. اگر انواع بیمه‌ها در کشور نباشد مثل

گذشته که در کل ۳ شرکت بیشتر نداشتیم، مردم مجبور می‌شوند تنها از چند شرکت خدمات دریافت کنند اما از وقتی شرکت‌های بیمه زیاد شده‌اند وضعیت پاسخ‌دهی و ارزش مشتری هم خیلی بیشتر شده است.

روزنامه جهان صنعت / یکشنبه ۹۶/۰۵/۰۸ شماره ۳۶۹۱ صفحه ۳

دورخیز دلار

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- روند کاهشی نرخ دلار که از هفته گذشته متوقف شد در اولین روز هفته جاری با رشد ۱۵ تومانی رکورد زد. نرخ دلار در حالی روز گذشته به کانال ۲۸۲۰ تومان وارد شد که در طول سال ۹۶ بیشترین رقم قیمتی را تجربه کرد. قیمت دلار که هفته گذشته را با رقم ۳۷۸۵ تومان آغاز کرد، با عبور از مرز ۲۸۰۰ تومان در پایان هفته گذشته، به نرخ ۲۸۰۵ تومان رسید و روز گذشته با ۱۵ تومان افزایش به ۲۸۲۰ تومان دست یافت. این در حالی است که قیمت یورو نیز از ۴۴۴۰ تومان در آغاز هفته گذشته، به ۴۵۸۵ تومان در طول یک هفته رسید. قیمت پوند نیز با ۶۳ تومان افزایش در طول یک هفته از ۴۹۱۳ به ۴۹۷۶ تومان رسید. این در حالی است که قیمت سکه در بازار تهران نیز تحت تاثیر افزایش دلار با افزایش چند هزار تومانی در انواع سکه‌های تمام، نیم و ربع بهار آزادی مواجه شده است. این افزایش ناگهانی در بازار ارز و سکه در حالی رخ می‌دهد که از آغاز سال ۹۶ تاکنون شاهد نوسانات خاصی در بازار نبوده‌ایم و هیجانات سیاسی و اقتصادی از جمله انتخابات ریاست جمهوری یا مباحث پیرامون تک‌نرخ کردن ارز نیز نتوانست تاثیر منفی بر بازار بگذارد و در طول ماه‌های اخیر ثبات نسبی در قیمت‌ها در مبادلات ارزی وجود داشته است. با این حال به نظر می‌رسد دولت و بانک مرکزی از ابزارهای دستوری و تثبیت‌کننده نرخ ارز استفاده می‌کنند و به همین دلیل بازار تحت فشارهای موقتی قرار دارد که هر لحظه خطر رها شدن فنر نرخ ارز را محتمل می‌سازد. اگرچه در دولت‌های نهم و دهم با افزایش سه برابری نرخ ارز و سکه در کشور، رکورد نوسانات و هیجانات بازار شکسته شد و بحران‌های عمده‌ای در زمینه پولی و بانکی گریبانگیر اقتصاد ایران شده بود اما دولت یازدهم با تجربه به دست آمده از بی‌ثباتی اقتصادی در طول سال‌های گذشته و صدمات جبران‌ناپذیر آن بر جامعه کشور، به دنبال تثبیت و از بین بردن نوسانات در بازار بود و اگرچه در یک برهه زمانی در سال ۹۵، با رشد شدید قیمت‌ها و رسیدن دلار به کانال ۴۲۰۰ تومانی مواجه شد اما توانست با مدیریت بازار از طریق ورود بانک مرکزی، قیمت‌ها را به نرخ سابق خود بازگرداند. این در حالی است که دولت یازدهم با نزدیک شدن به پایان دوران چهار ساله خود، نرخ ارز و سکه را بدون افزایش قیمت خاصی نسبت به زمان آغاز کار خود حفظ کرده است. اما بسیاری از کارشناسان و فعالان بازار عقیده دارند ادامه رویه حفظ قیمت دلار و دیگر ارزها از سوی دولت ادامه‌دار نخواهد بود و روزی دوباره شاهد افزایش قیمت‌ها در بازار خواهیم بود و تجربه کشور در این زمینه نیز نشان داده است که نوسان قیمتی امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر در اقتصاد ایران است که این امر کار دولت دوازدهم را بیش از پیش سخت خواهد کرد و چالش‌های کابینه اقتصادی دولت را برای کنترل قیمت‌ها دشوارتر می‌سازد.

مولفه‌های تاثیرگذار

در هر صورت دولت به میزان زیادی منابع ارزی دارد و تا امروز توانسته نرخ‌ها را کنترل کند؛ همان‌گونه که نرخ ارز تحت تاثیر فشارهای تورمی قرار نگرفته و بانک مرکزی توانسته با پیش‌بینی و مدیریت نوسانات نرخ ارز را کنترل کند زیرا اکنون ۸۰ درصد ارز در دست دولت است و دولت با اختیاراتی که دارد، می‌تواند نرخ ارز را مدیریت کند. ولی باید توجه داشت که در این زمینه مولفه‌های بسیاری وجود دارند که می‌توانند بر قیمت‌ها تاثیرگذار باشند. برای مثال اگر روزی نرخ سود بانکی پایین آید، به عقیده برخی کارشناسان در این بخش نرخ ارز بالا خواهد رفت. همچنین دلار تابع عرضه و تقاضاست و متأسفانه در ایران بعد روانی نیز در قیمت آن تاثیرگذار است. این بعد روانی به آن معناست که وقتی قیمت کالا روند افزایشی پیدا می‌کند، مردم بیشتر به سمت خرید دلار می‌روند و با تصور گران‌تر فروختن دلار در آینده، تقاضای دلار نیز افزایش یافته و گران‌تر می‌شود. با این حال رویکرد دولت و بانک مرکزی در نرخ ارز از شفافیت کافی برخوردار نیست و این امر باعث می‌شود گاهی اوقات شبهاتی در این باره مطرح شود که دولت عامدانه نرخ ارز را بالا می‌برد تا کسری بودجه را جبران کند. این در حالی است که اگر تصمیمات و سیاست‌های دولت و بانک مرکزی شفاف باشد و توضیحات لازم و جامع را ارائه دهد، چنین شبهاتی مطرح نخواهد شد. باید توجه داشت یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های بانک مرکزی در دنیا حفظ ارزش پول است و برخی کشورها که مثل چین ارزش پول خود را به نفع اقتصاد ملی و افزایش صادرات پایین می‌آورند در شرایطی این کار را می‌کنند که سه هزار

میلیارد دلار در خزانه خود ذخیره داشته باشند و این اقدام برای شرایط اقتصاد ما مناسب نیست و به دلیل متلاطم بودن اقتصاد ما، از بین رفتن ارزش پول ملی بحران ایجاد می‌کند. در این مسیر اصلی‌ترین چالش پیش روی دولت دوازدهم در بخش مدیریت بازار ارز در درازمدت، تک‌نرخی کردن ارز با بهره‌گیری از سیاست‌های متنوع اقتصادی نظیر پیمان‌های دوجانبه بین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلف برای تبادل ارزی و انجام معاملات و مراودات اقتصادی با پول محلی، همچنین مدیریت ورود ارز به بازار و نحوه اختصاص منابع ارزی به بخش‌های مختلف است. حال این سوال مهم پیش می‌آید که دلایل نوسان نرخ ارز در هفته اخیر چیست؟ این در حالی است که موضوع انتظارات به عنوان مهم‌ترین دلیل افزایش نرخ ارز به شمار می‌رود و برخی تحلیل‌ها نیز پایین نگه‌داشتن مصنوعی نرخ ارز توسط دولت را دلیل این امر می‌دانند که سرکوب قیمت‌ها باعث فاصله گرفتن نرخ واقعی و اسمی ارز می‌شود و این می‌تواند دلیلی باشد که اکنون ارز به دنبال نرخ واقعی خود است. عده‌ای نیز این نوسانات را خواست دولت می‌دانند که برای افزایش صادرات و کاهش واردات اعمال می‌شود. این در حالی است که در تحلیل عوامل اثرگذار در رشد نرخ ارز نباید تنها به بخشی از عوامل توجه کرد چراکه عوامل متعددی در آن دخیل است و در برهه اخیر عوامل غیراقتصادی نقش پررنگ‌تری پیدا کرده است.

روزنامه دنیای اقتصاد / یکشنبه ۹۶/۰۵/۰۸ شماره ۶۱۰۵ صفحه ۳

معاون اول رئیس‌جمهوری در نشست دولت و فعالان اقتصادی مطرح کرد غیبت صدای واحد در بخش خصوصی

دنیای اقتصاد: معاون اول رئیس‌جمهوری در نشستی با فعالان اقتصادی، ضمن گلایه از نبود صدای واحد در بخش خصوصی، اعلام کرد که فعالان این بخش در کنار پیشنهادهایی که به دولت ارائه می‌کنند، راهکارهایی عملی و مبتنی بر توان دولت را نیز مد نظر قرار دهند و تنها به راهکارهای ذهنی اکتفا نکنند.

اسحاق جهانگیری در نشست مشترک اعضای شورای ملی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی که با حضور استانداران و روسای اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور برگزار شد با طرح سوالی اعلام کرد: «آیا بخش خصوصی گفت‌وگوی مناسبی در درون خود برای شناسایی مسائل اصلی انجام داده است یا نه و آیا وقتی موضوعی از سوی اتاق به دولت ارائه می‌شود، واقعا دغدغه‌های بخش خصوصی مطرح شده است یا خیر؟» به اعتقاد جهانگیری، راهکارهایی که اتاق‌ها پیشنهاد می‌دهند نیز باید با بخش خصوصی تفاهم شده باشد. ارزیابی اظهارات مطرح شده از سوی معاون اول رئیس‌جمهوری این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که دولت در چه زمینه‌ای توقع شنیدن صدای واحد از بخش خصوصی را دارد؟ مطالبات فعالان اقتصادی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در مواردی چون نرخ ارز یا نرخ سود بانکی صدای واحدی از بخش خصوصی تاکنون شنیده نشده است؛ چراکه منفعت صادرکنندگان، واردکنندگان، تولیدکنندگان و... در مورد این متغیرهای اقتصادی متفاوت است. این در حالی است که درخصوص مولفه‌هایی مانند بهبود محیط کسب‌وکار، تامین اجتماعی و مالیات می‌توان انتظار شنیدن صدای واحد از بخش خصوصی را داشت. در این میان، دولت باید صورت مساله را به صورت شفاف مشخص کند و به دنبال قاعده کلی برد-برد در مشورت‌گیری از بخش خصوصی در مورد مسائلی که منفعت تمامی گروه‌ها در آن یکسان است، باشد. در این نشست همچنین معاون اول رئیس‌جمهوری باتوجه به رفتارهای جدید آمریکا در قبال ایران و شرایط پیچیده در منطقه، خطاب به فعالان بخش خصوصی هشدار داد که گروه حاکم در آمریکا سعی دارند با اجماع سایر کشورها، فضای کار و فعالیت در ایران را فضایی پرریسک جلوه دهند. اسحاق جهانگیری در این نشست «استفاده از تبلیغات» و «اعمال تحریم‌های جدید» را اهرم‌های تازه آمریکایی‌ها برای ممانعت از ورود سرمایه‌گذاران خارجی برای کار و فعالیت در ایران برشمرد و عنوان کرد: آمریکا سعی دارد ایران را کشور ناقص برجام نشان دهد و این‌گونه القا کند که فضای ایران برای فعالیت و سرمایه‌گذاری مناسب نیست. اما جهانگیری در این شرایط چه پادزهری برای خنثی‌سازی سیاست‌های آمریکایی‌ها پیشنهاد می‌کند؟ وی از فعالان پارلمان بخش خصوصی می‌خواهد به‌عنوان یار و هم‌صدای دولت مانع نگرانی و نااطمینانی سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی داخلی و خارجی شوند و برای از میان برداشتن مشکلات اقتصاد ایران، در صحنه حضور یابند. وی خطاب به فعالان بخش خصوصی، مهم‌ترین محور برگزاری جلسات مشترک بین بخش خصوصی و دولت را «نتیجه‌بخش بودن» و «برون‌داد جلسات» ارزیابی کرد. معاون اول روحانی همچنین یکی از مشکلات ریشه‌ای کشور را عدم اجرای تصمیمات و مصوبات دانست و از استانداران سراسر کشور خواست عملکرد دستگاه‌های مختلف را رصد کنند و در

صورت عدم همکاری دستگاه‌های استانی و ملی در اجرای مصوبات، موضوع را گزارش کنند. همچنین جهانگیری در جریان این گردهمایی از هفت چالش «بیکاری»، «کمبود منابع آب»، «مسائل زیست‌محیطی»، «مشکلات نظام بانکی»، «مسائل صندوق‌های بازنشستگی»، «آسیب‌های اجتماعی» و «محدودیت بودجه دولت» به عنوان گلوگاه‌های مشکلات بزرگ اقتصادی در ایران نام برد؛ اما در کنار این مشکلات فراهم شدن فرصت‌های مناسب در ایران را مغتنم شمرد. او معتقد است علاوه بر فرصت‌های متعدد طبیعی و خدادادی، در مقطع فعلی فرصت‌های خاص و ویژه‌ای از جمله بازگشت امید و اعتماد در میان مردم ایجاد شده است که به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه حال حاضر، می‌تواند به کشور برای عبور از چالش‌ها و ابرچالش‌ها کمک کند. اما یکی از مهم‌ترین فرصت‌های مهم از دیدگاه معاون اول رئیس‌جمهوری، اجماعی است که برای اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور به وجود آمده، چرا که به اعتقاد وی «دولت»، «بخش خصوصی»، «سایر قوا» و «صاحبان تریبون» همگی قبول دارند که اقتصاد مقاومتی نسخه‌ای است که برای حل مشکلات کشور پیچیده شده است. البته جهانگیری در طرح این فرصت، گلابه‌هایی نیز دارد. معاون اول رئیس‌جمهوری برخی از این گروه‌ها را یقه‌گیر دولت می‌نامد، از دیدگاه او اینکه گروه‌های مذکور چقدر در اجرا همراه با دولت خواهند بود بخش مهمی از صورت مساله اصلی به شمار می‌رود، زیرا برخی افراد اعلام می‌کنند که موافق اجرای اقتصاد مقاومتی هستند اما در عمل همراهی نمی‌کنند و بیشتر به دنبال یقه‌گیری دولت هستند. جهانگیری همچنین مهم‌ترین نقطه عطف برای مسوولیت‌پذیری در حل مشکلات کشور را اجماع و تفاهم بر سر مسائل محوری کشور ارزیابی می‌کند. این نقطه عطف در حالی از سوی او مطرح می‌شود که معتقد است وقتی بر سر مسائل کشور و یافتن راه‌حل مشترک برای برطرف کردن موانع، اجماع صورت گیرد، تفاهم مناسبی برای مسوولیت‌پذیری در ورود به حل مسائل ایجاد خواهد شد. معاون اول رئیس‌جمهوری، وجود بخش خصوصی قدرتمند در کشور را با اهمیت دانست و گفت: امروز همه قبول داریم که بیکاری جزو اصلی‌ترین مسائل کشور است و برای حل این مشکل نیز این اجماع وجود دارد که راهی جز تولید و سرمایه‌گذاری به‌خصوص سرمایه‌گذاری خارجی برای حل معضل بیکاری وجود ندارد؛ اما وقتی می‌خواهیم وارد عمل شویم و سرمایه خارجی جذب کنیم فوراً صدای عده‌ای بلند می‌شود و متأسفانه گاهی این مخالفت‌ها و انتقادات از سوی دستگاه‌ها و تریبون‌های اصلی کشور که باید در برابر ملت پاسخگو باشند، مطرح می‌شود. جهانگیری صدای مخالفت‌ها و انتقادات را علامتی مبنی بر اینکه مخالفت‌های زیادی در ایران برای جذب سرمایه خارجی وجود دارد، می‌داند. وی «صدای واحد»، «تفاهم» و «حل مشکلات فراتر از نقش دولت» را جزو مولفه‌هایی ذکر می‌کند که در بسیاری از راه‌های صعب‌العبور چاره‌ساز خواهد بود. مولفه‌هایی که نقش پارلمان بخش خصوصی را بیش از پیش پررنگ‌تر جلوه می‌دهد و به اعتقاد جهانگیری به این معناست که دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات و مسائل نیست. او در بخش دیگری از سخنان خود باز هم بازوی اصلی دولت را خصوصی‌ها معرفی کرد و بر این باور است برای اینکه از موانع و مشکلات عبور کنیم و به رشد اقتصادی فراگیر، مستمر و اشتغال‌زا همراه با عدالت اجتماعی دست یابیم، همه توان کشور چه در حاکمیت و چه در بخش خصوصی باید به صحنه بیایند. معاون اول رئیس‌جمهوری در ادامه از کاهش بهره‌وری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل در بنگاه‌های اقتصادی کشور نام برد و با بیان اینکه هم در دولت و هم در بخش خصوصی، سرمایه انسانی و دارایی‌ها بهره‌وری مطلوب ندارند، گفت: از برنامه سوم توسعه قرار بود ۳۰ درصد از رشد اقتصادی سالانه از محل بهره‌وری باشد اما این موضوع هیچ‌گاه محقق نشد. وی ناکارآمدی فضای کسب‌وکار را از دیگر مسائل پیش روی کشور دانست و خاطرنشان کرد: از ابتدای دولت تدبیر و امید و با تأکید فراوان رئیس‌جمهوری بر این موضوع تمرکز شد و امروز نظام پایش فضای کسب‌وکار از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی طراحی و از سوی ستاد اقتصاد مقاومتی تصویب و ابلاغ شده است. جهانگیری گفت: درمورد مجوزهای غیرضروری نیز همه معتقدیم مجوزهایی که مانع کار هستند باید لغو شوند اما تا گروهی برای این موضوع مصمم نشوند، این مسائل همچنان باقی خواهد ماند. معاون اول رئیس‌جمهوری بر ضرورت نافذالکلمه بودن ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، تصریح کرد: متأسفانه گاه مصوبات این ستاد توسط مدیران میانی دولت اجرا نمی‌شود و این موضوع در دستگاه‌های قوای دیگر شدیدتر است. وی ادامه داد: متأسفانه برخی افراد با استفاده از تریبون‌های رسمی بر دولت می‌تازند و همه زحمات صورت گرفته را از بین می‌برند و باید توجه داشته باشیم که اگر اقتصاد مقاومتی قرار است اجرا شود همه باید پای کار بیایند و پاسخگویی عملکردشان در این زمینه باشند.

مرکز فوریت برای بنگاه‌ها

وزیر کشور یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود نیز از پیشنهاد تشکیل مرکز فوریت‌های بررسی مشکلات واحدهای تولیدی به هیات دولت خبر داد و گفت: برای تقویت نقش تاثیرگذار شورای گفت‌وگوی ملی باید در جهت تنقیح قوانین تلاش بیشتری کرد. عبدالرضا رحمانی فضلی با تاکید بر شناسایی موانع توسعه و سرمایه‌گذاری گفت: بازار سرمایه در کشور قوی نیست و بحث جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز مشکلات خود را دارد؛ بنابراین باید بانک‌ها از بنگاه‌های اقتصادی حمایت کنند. رحمانی‌فضلی افزود: بحث سودهای بانکی یکی از گلابه‌های بخش خصوصی است که رئیس کل بانک مرکزی نیز باید به این موضوع توجه بیشتری داشته باشد.

وزیر کشور با تاکید بر ضرورت تفویض اختیار به استان‌ها گفت: در دولت یازدهم ۸۶ مورد از سوی دولت مصوب شد که به استان‌ها واگذار کردیم و تجربه نشان داده که استان‌ها از لحاظ کارشناسی ضعیف نیستند و هرجا واگذاری اختیار شده، نتیجه موفق‌تری در پی داشته است. وی با تاکید بر ضرورت برگزاری جلسات منطقه‌ای اظهار کرد: در دولت یازدهم ابتدا وزارت کشور پنج منطقه داشت که به هشت منطقه رسید و این جلسات با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و همگرایی‌هایی که برخی استان‌ها با یکدیگر دارند، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها موثرتر باشد. رحمانی‌فضلی ادامه داد: در دولت یازدهم نیز حضور نمایندگان منطقه‌ای در دولت از سوی وزارت کشور پیشنهاد شد. وی همچنین با بیان اینکه مصوبات شورای گفت‌وگو نیز باید آسیب‌شناسی شود، تصریح کرد: طبق آخرین آسیب‌شناسی، ۶۸ مورد مصوبات مرتبط با این شورا منطبق با شرح وظایف بوده که باید این موضوع نیز آسیب‌شناسی شود. وزیر کشور با اشاره به کاهش صادرات خاطرنشان کرد: این موضوع در دولت مطرح شده و آسیب‌شناسی آن در حال انجام است که البته بخشی از آن به تحولات منطقه بازمی‌گردد.

روی کار آمدن خصوصی‌ها

متولی صنعت کشور نیز که در این نشست حضور داشت مهم‌ترین اقدام دولت دوازدهم را اعتماد به بخش خصوصی دانست و گفت: اولین اقدامی که دولت دوازدهم باید بر آن اهتمام ورزد، روی کار آمدن بخش خصوصی است. محمدرضا نعمت‌زاده تاکید کرد: اعتماد متقابل میان دولت و بخش خصوصی پیش‌شرط اولیه است تا برنامه‌ها شکل گیرد که در بسیاری از دستگاه‌ها این پیش شرط اجرایی نمی‌شود. وی ادامه داد: من در این سال‌ها هر وقت به بخش خصوصی اعتماد کردم، متضرر نشده‌ام. وزیر صنعت خطاب به قائم مقام بانک مرکزی گفت: بانک‌ها در استان‌ها اختیار ندارند و دست آنان بازنه‌ست، باید این امر در شورای پول و اعتبار مورد بررسی قرار گیرد و منابع مالی پروژه‌ها مشخص شود. او خاطرنشان کرد: منابع مالی بخش خصوصی باید از بانک‌ها و بخش دولتی از بودجه‌های عمومی تامین شود. نعمت‌زاده درباره لزوم تفویض اختیار گفت: با این موضوع موافقیم اما در چند مورد اختلافاتی وجود داشت که امیدواریم برطرف شود. بخش معادن و محیط‌زیست از بخش‌هایی است که کمی اختلاف در آن وجود دارد و امیدواریم به زودی برطرف شود. من از تمام مسوولان می‌خواهم به بانک‌ها اختیارات لازم را تفویض کنند تا کارها با سرعت بیشتری انجام شود. وزیر صنعت، معدن و تجارت در پایان درباره بحران آب گفت: سهم صنعت از آب مصرفی کشور کمتر از دو درصد است. همه باید کمک کنیم تا با سرعت بیشتری موضوع صرفه‌جویی پیگیری شود تا این بحران را بتوانیم برطرف کنیم. در وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز به فکر کاهش سهم ۲ درصدی مصرف آب هستیم.

تشکیل شورای منطقه‌ای

رئیس اتاق ایران نیز در این نشست با تاکید بر لزوم اجرای توسعه منطقه‌ای، پیشنهادهایی را برای اجرایی شدن آن عنوان و بر اجرای بندهایی از قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار تاکید کرد. غلامحسین شافعی پیشنهاد کرد شورای همکاری منطقه‌ای با حضور استانداران، نمایندگان مجلس و روسای اتاق‌ها تشکیل شود. موضوع توزیع قدرت در سطح کشور و بالا بردن اختیارات استانداران محور سخنان بعدی شافعی بود. وی با اشاره به توسعه منطقه‌ای گفت: به نظر می‌رسد برای توجه به توسعه منطقه‌ای، باید توزیع قدرت در سطح کشور موردتوجه قرار گیرد. رئیس اتاق ایران در این رابطه افزود: استانداران به‌عنوان نماینده عالی دولت و همچنین افرادی که شناخت متفاوتی از مسائل استانی دارند، باید اختیارات بیشتری داشته باشند و نگاه به آنها از نگاه هزینه‌ای به نگاه درآمدی تغییر پیدا کند.

شافعی افزود: شرایط مناطق مختلف کشور از نظر اقلیمی و جغرافیایی بسیار متفاوت است و همچنین نگاه به برنامه‌های دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که در گذشته برنامه‌های توسعه جهت‌گیری ناشی از مرزبندی‌های سیاسی داشته‌اند و

به ویژگی‌ها و توانمندی‌های مناطق کمتر توجه شده است. وی حاصل این نگاه را دست نیافتن به توسعه متوازن و عدم بهره‌گیری از ویژگی‌های منطقه‌ای دانست. رئیس اتاق ایران تصریح کرد: لازم است با توجه به توسعه منطقه‌ای مزیت‌های نسبی را به خلق مزیت تبدیل کنیم. با توجه به شرایط متنوع و مختلف کشور نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای کل کشور تعریف کرد و به اهداف مورد نظر رسید. شافعی در این زمینه به تقسیم‌بندی مناطق مختلف کشور در وزارت کشور اشاره کرد و گفت: تقسیم‌بندی مناطق کشور با توجه به ویژگی‌های هر منطقه به ۹ یا ۷ منطقه می‌تواند نتیجه مطلوبی حاصل کند. به گفته شافعی، ایجاد هلدینگ صادراتی و تعریف مگا پروژه‌ها در سطح مناطق، سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی با مشارکت کشورهای همسایه، تهیه و تدوین برنامه توسعه منطقه‌ای و ارائه آن برای پیوند با برنامه‌های توسعه ملی می‌تواند از اهداف این شورا باشد. رئیس اتاق ایران در ادامه بر لزوم اجرایی شدن بندهایی از قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار تأکید کرد و گفت: ماده ۲ و ۳ قانون بهبود محیط کسب و کار که به نظرخواهی از بخش خصوصی برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها می‌پردازد، باید به‌طور دقیق اجرایی شود و درخواست داریم معاون اول تأکید دیگری برای اجرای این ماده داشته باشد.

ضعف‌ها و قوت‌ها

اما در این نشست نیز فعالان بخش خصوصی به بیان مشکلات خود پرداختند. رئیس اتاق اصناف ایران در این گردهمایی خواستار جدی‌تر گرفته شدن اتاق‌های اصناف برای اشتغال‌آفرینی شد. علی فاضلی افزود: ۲۵ درصد اشتغال کشور در اختیار اصناف است که جمعیتی بیش از ۲۴ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند. به گفته این مقام مسوول، رونق در اصناف می‌تواند موج رضایتمندی از حاکمیت را به دنبال داشته باشد. فاضلی با بیان اینکه رفع مشکل بیکاری از طریق بنگاه‌های متوسط نیازمند سرمایه‌گذاری است، خاطرنشان کرد: بیش از یک هزار و ۸۵۰ نوع فعالیت صنفی در اصناف وجود دارد و راه ورود به جهان کارآفرینی از اصناف می‌گذرد. به گفته وی اتاق‌های بازرگانی، «ایجاد اشتغال»، «توانمندسازی بنگاه‌ها با ایجاد کسب و کارهای نوین»، «گسترش آموزش با همکاری دانشگاه‌ها»، «توسعه فروشگاه‌های زنجیره‌ای با مدیریت اتاق اصناف» و «توسعه کسب و کار الکترونیک» را در دستور کار دارند.

همچنین رئیس کنفدراسیون صادرات ایران از دیگر فعالان اقتصادی بود که در این نشست به خواسته‌های بخش خصوصی اشاره کرد. محمد لاهوتی بر این باور است که قیمت تمام شده کالاهای صادراتی کشور از سه مشکل اساسی «نرخ غیرواقعی ارز»، «نرخ بالای سود تسهیلات» و «نرخ‌های حمل و نقل بالا» رنج می‌برند. محمد لاهوتی افزود: امروز اقتصاد کشور نقشه راه مشخصی به نام «اقتصاد مقاومتی» دارد و باید برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها براساس آن باشد؛ اما در عمل شاهد تغییرات و اصلاحاتی در سیاست‌گذاری‌هایی که جوابی از آنها نگرفته‌ایم، هستیم. این مقام مسوول با اشاره به انتشار آمار چهار ماهه صادرات کشور در روزهای گذشته که طی آن ۹/۵ درصد کاهش صادرات اعلام شد، اظهار کرد: در راستای اقتصاد مقاومتی که درون‌زا، صادرات‌محور و با نگاه به خارج است، همه دستگاه‌ها باید برنامه‌های خود را اعلام کنند. لاهوتی ادامه داد: به نظر می‌رسد امروز برنامه‌های اقتصاد مقاومتی حتی در بدنه دولت نیز به خوبی اجرایی نشده و در رفع مشکلات آن اقدام نمی‌شود. وی با انتقاد از دفاع سازمان‌های مختلف از عملکرد خود در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، تصریح کرد: تداوم این جلسات با روند کنونی، جز اتلاف وقت نخواهد بود.

روزنامه گسترش صمت / دوشنبه ۹۶/۰۵/۰۹ شماره ۸۲۷ صفحه ۴

وابستگی پروژه‌های عمرانی به منابع خارج از بودجه

منیر حضوری: برخی کارشناسان باور دارند که میزان بودجه در نظر گرفته شده حوزه عمرانی کشور برای سال ۹۶ کافی است، برخی دیگر هم باور دارند که این مقدار به هیچ وجه پاسخگوی نیازها نیست اما صرف‌نظر از اینکه این رقم کفایت می‌کند یا نه، بحث دیگر تخصیص واقعی آن است.

در لایحه بودجه ۹۶ حدود ۶۲ هزار میلیارد تومان از منابع مالی کشور برای حوزه عمرانی کشور در نظر گرفته شده که نسبت به سال ۹۵ افزایش داشته است. مسئله این است که چقدر از این مبلغ در عمل هزینه و به عبارتی به طور واقعی به حوزه عمران تزریق می‌شود. تخصیص بهینه این مبلغ با توجه به بدهی ۴۰ هزار میلیارد تومانی دولت به پیمانکاران باعث می‌شود که هم منابع به درستی در این حوزه تخصیص داده شود و هم به افزایش سطح اشتغال کمک کند. غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با اشاره به قانون بودجه سال ۹۶

تخصیص ۶۲ هزار میلیارد تومان به بخش عمرانی کشور را منطقی تلقی کرد و معتقد است تخصیص این هزینه‌ها در صورت جلوگیری از هدررفت بودجه‌های نفتی به نفع بخش عمرانی کشور تلقی می‌شود. در همین راستا مهدی پورقاضی، رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیز گفته است: تزریق چنین هزینه‌هایی به بخش عمرانی با توجه به وضعیت نامناسب موجود گام مثبتی برای پیشرفت اقتصادی کشور است و علاوه بر این، لزوم کوچک شدن دولت و پرننگ شدن نقش بخش خصوصی در این حوزه احساس می‌شود. در همین زمینه صمت با کارشناسان گفت‌وگو کرده است.

بودجه‌ای که کافی نیست

عزت‌الله یوسفیان‌ملا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه ۶۲ هزار میلیارد تومان برای پروژه‌های عمرانی بسیار کم است به صمت گفت: اگر این رقم را در ردیف بودجه تقسیم کنید می‌بینید پروژه‌ای که ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه می‌خواهد در ردیف ۴۰ میلیارد قرار گرفته است. بنابراین آنچه پروژه‌های عمرانی را امروز نجات می‌دهد سایر منابع خارج از بودجه است. او ادامه داد: بارها در قانون تصویب کرده‌ایم که از صندوق ذخیره ارزی مقداری برداشته شود تا در واحدهای روستایی تزریق شود. این همه اوراق مشارکت که برای پیمانکاران توزیع می‌شود در بودجه نیامده و جزو عدد ۶۲ هزار میلیارد تومان نیست و شامل سایر منابع می‌شود. در حال حاضر در راه توسعه روستایی و جاده‌ها به طور تقریبی همه وجوهی که پرداخت می‌شود از سایر منابع تامین می‌شود. بنابراین ۶۲ هزار میلیارد تومان رقم قابل توجهی نیست و امکان ندارد که پروژه را نگهداری کند چه برسد به آنکه آن را بچرخاند. این نماینده مجلس با اشاره به بدهکاری دولت به پیمانکاران گفت: چندین برابر ردیف بودجه سالانه ناگزیرند پیمانکار بگیرند و بعد هم بدهکار می‌شوند در حالی که اگر به اندازه پولی که دارند پیمانکار بگیرند دیگر بدهکار نمی‌شوند. یوسفیان درباره اشتغالزایی پروژه‌های عمرانی گفت: این پروژه‌ها اشتغال ایجاد می‌کند، وقتی سدی می‌سازند کارگر، مهندس، حسابدار و تعداد زیادی از افراد شاغل می‌شوند. در حالی که آمار استخدام و اشتغال در دستگاه‌های دولتی و بخش‌های دیگر بسیار پایین است پروژه‌های عمرانی می‌توانند کمک خوبی برای رشد کشور باشند. بنابراین عدد اشتغال را پروژه‌های عمرانی نشان می‌دهند که هرچه وسیع‌تر باشد اشتغال هم بیشتر می‌شود. با توجه به این مسئله اگر دولت نتواند بدهی خود را به پیمانکاران پرداخت کند منجر به تعطیلی آنها شده و اشتغالی که ایجاد شده از بین می‌رود. البته تمام تلاش دولت این است که از پروژه‌های عمرانی حمایت کند و آنها را با اوراق مشارکت و سایر سکوک سر پا نگه دارد. او در پاسخ به این سوال که وضعیت امسال پروژه‌ها را چگونه می‌بینید اظهار کرد: این مسئله بستگی به بازار جهانی، میزان فروش نفت و سرمایه‌گذاری خارجی دارد. به طور مثال قرارداد توتال گشایشی در این مسیر است و اگر چنین مواردی بیشتر شود به‌طور قطع می‌تواند به پروژه‌های عمرانی کمک کند. او تاکید کرد: برنامه‌هایی که دولت تاکنون داشته امیدوارکننده است و ان‌شاءالله به همین شکل پیش برود. یوسفیان در آخر به عنوان راهکار گفت: تعهدات و پروژه‌های جدید دیگر تعریف نشود، جایی هم که هزینه می‌شود باید بجا و بهینه هزینه شود.

تخصیص بودجه به بخش عمران رقم مطلوبی است

آرمان خالقی، عضو هیات مدیره خانه صنعت و معدن درباره اعتبارات بودجه عمرانی کشور به صمت گفت: تخصیص ۶۲ هزار میلیارد تومان بودجه به بخش عمران رقم مطلوبی است. او با اشاره به وابسته بودن بودجه به درآمدهای نفتی اظهار کرد: در صورت کاهش نیافتن هزینه‌های جاری و افزایش درآمد حاصل از فروش نفت، تخصیص این اعتبار گام مثبتی در جهت بهبود بخش عمرانی کشور به شمار می‌رود. همان‌طور که می‌دانید براساس تصمیمات اتخاذ شده بخشی از اعتبارات عمرانی کشور از پیش‌فروش نفت و بخش دیگر آن در قالب اسناد خزانه به منظور پرداخت مطالبات پیمانکاران تامین می‌شود. بنابراین اگر رقم مد نظر درست مدیریت شود اتفاقات خوبی با خود به همراه می‌آورد. عضو هیات مدیره خانه صنعت و معدن در پاسخ به این سوال که با بدهکاری دولت به پیمانکاران چگونه پروژه‌های عمرانی می‌تواند پیش برود، گفت: مشکلی نیست. دولت می‌تواند بدهی خود را بپردازد اما زمان‌بر است. به این ترتیب اگر دولت کارهایش را به درستی انجام دهد مشکل رکود هم حل می‌شود. او تاکید کرد: هزار میلیارد تومان برای دولت رقمی نیست که نتواند از پس آن بربیاید. خالقی در جواب به این پرسش که وضعیت پروژه‌ها را امسال چگونه می‌بیند، تاکید کرد: با توجه به تدابیری که دولت روحانی می‌اندیشد به طور حتم اوضاع بهتر می‌شود.

بانک ها در تله دولت

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- شرایط نظام بانکی در ارتباط تنگاتنگ با اوضاع اقتصادی کشور است و هر گونه نقطه تاریک و آسیب زا در بدنه بانکی می‌تواند خطرات جدی برای اقتصاد ایجاد کند و تهدید بالقوه‌ای برای دور کردن آن از مسیر صحیح توسعه و رشد اقتصادی باشد. در اوضاع کنونی نیز که بانک‌ها با محدودیت‌ها و مشکلات متعددی مواجه‌اند، نبود شفافیت کافی، عدم نظارت صحیح، بزرگ شدن مطالبات معوق بانکی و دارایی‌های سمی بانک‌ها از جمله دلایلی هستند که می‌توانند به بحران‌های موجود دامن بزنند و در این مسیر دولت و بانک مرکزی لازم است هرچه سریع‌تر به مقابله و برخورد با این معضلات بپردازند زیرا اگر سیستم بانکی کشور به واسطه شرایط نامساعد خود نتواند به تعهداتش در قبال مشتریان عمل کند، با به خطر افتادن حس اعتماد عمومی در جامعه، شرایط نگران‌کننده‌ای به وجود خواهد آمد که می‌تواند به ضرر کلی اقتصاد شود. آنچه در شرایط امروز ایران بر کسی پوشیده نیست، فشار همه‌جانبه‌ای است که بر بانک‌های کشور تحمیل می‌شود و با توجه به عدم وصول مطالبات معوق بانک‌ها و بدهی دولت به نظام بانکی، بخش عمده‌ای از منابع بانکی که به عقیده خود مسوولان بانک مرکزی برابر نیمی از دارایی‌های آنهاست، منجمد و باعث شده بانک‌ها به این حجم از منابع دسترسی نداشته باشند که یکی از اصلی‌ترین دلایل تحت فشار بودن سیستم بانکی کشور به شمار می‌رود. نبود شفافیت در گزارشگری مالی بانک‌ها نیز یکی از اصلی‌ترین معضلات موجود است که باعث شده مجموعه نظام بانکی با پدیده‌ای به نام معوقات بانکی و در ادامه آن با بیماری مالی ترازنامه‌ها و دارایی‌های بانک‌ها مواجه شود. شیوع دارایی‌های سمی شیوع دارایی‌های سمی در ترازنامه بانک‌های کشور، به اثرات منفی در جریان اقتصاد منجر خواهد شد که می‌تواند جریان نقدینگی و تامین مالی کشور را با مشکل مواجه سازد و این مساله خود می‌تواند علتی برای تشدید رکود تورمی در اقتصاد ایران باشد. بخش عمده‌ای از سودآوری بانک‌ها در سال‌های گذشته به دلیل ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات در سال‌های اخیر و افزایش شعب آنها بوده است که با افزایش ارزش دارایی‌های ثابت، به شکلی غیرواقعی بیانگر سودآوری آنها بود. در حالی که این کار موجب شده هم نسبت دارایی‌های آنها از سقف تعیین شده بیشتر شود و هم در صورت فروش، ارزش این دارایی‌ها بسیار کمتر از ارزش ثبت شده آنها خواهد بود. از سوی دیگر با بررسی ترکیب دارایی‌های سمی بانک‌ها متوجه می‌شویم، بانک‌های کشور به ویژه خصوصی‌ها حجم قابل توجهی از تسهیلات را به صورت تکلیفی یا غیرتکلیفی پرداخت کرده‌اند. جای سوال است که این تسهیلات به چه کسانی پرداخت شده، معوقات چگونه شکل گرفته و بدهکاران چه کسانی هستند. با رخ دادن این اتفاقات منفی، بخشی از منابع بانک‌ها به نوعی حبس می‌شود و در اصطلاح گفته می‌شود که تبدیل به پول سمی یا مسموم شده است. به طور مثال اگر یک بانک منابع حاصل از سپرده‌های دریافتی خود را در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه یا افراد خاص وابسته قرار دهد تا آنها با این وجوه در بازارهایی مثل سهام، اوراق بهادار یا بازار ملک، سرمایه‌گذاری کنند، این موضوع می‌تواند باعث شود بخشی از نقدینگی، از چرخه اعتبار خارج شود و دارایی‌های بانک‌ها را تبدیل به پول سمی کند. می‌توان به وجوه بلوکه شده بانک‌ها نیز اشاره کرد که بخشی از دارایی بانک‌ها را تبدیل به دارایی غیرواقعی می‌کند و از آن با عنوان مطالبات غیرقابل وصول یا مطالبات معوق در ترازنامه بانک‌ها یاد می‌شود. انجماد دارایی‌های بانک‌ها و شرایط تحریمی در نظام بانکی تاثیرات منفی داشته است و در ادامه این روند بانک‌ها به سمت منابعی حرکت کردند که امکان نقدشوندگی آنها وجود نداشت و سبب شکل‌گیری دارایی‌های سمی بانک‌ها شده است. علت ایجاد دارایی‌های سمی را نیز می‌توان در عدم نظارت صحیح نهادهای مسوول جست و جو کرد و اگر نظارت بیشتری صورت می‌گرفت شاید این اتفاق رخ نمی‌داد. مجموعه این عوامل باعث بروز اشکالات عمده‌ای در اجرای سیاست‌های پولی و مالی دولت و بانک مرکزی شده است و با بسته شدن دست بانک‌ها در تامین مالی طرح‌های اقتصادی، فضای کلان اقتصاد آسیب زیادی را متحمل خواهد شد که ریشه در عدم شفافیت نظام پولی و مالی کشور دارد و در این مسیر به دلیل عدم استقلال بانک مرکزی و ناکارایی نظارت و مدیریت بانک‌ها، ساختار بانکی کشور مورد فشار زیادی قرار گرفته است.

حرکت به سمت ایجاد ارزش افزوده

راهکارهایی که برای برون‌رفت از این مشکل معرفی می‌شوند نیز به دنبال اقدامات اصلاحی روی شبکه بانکی و حرکت به سمت اصلاح ترازنامه بانک‌ها تمرکز دارند و با اجماع تمامی نهادها و مسوولان حاضر در این حوزه به دنبال کاهش ریسک

اقتصاد این ناحیه هستند. اگرچه تاکنون بانکها به مرز ورشکستگی نرسیده‌اند، اما در صورت ادامه مسیر غلط و سیاستگذاری‌های نادرست، اوضاع بانکها رو به وخامت خواهد رفت و در این مسیر لازم است بانکها با واسطه‌گری سپرده‌ها و اعطای تسهیلات مناسب، به سمت ایجاد ارزش افزوده و مقابله با حبس منابع مالی خود بروند. در این میان حضور دولت در بخش بانکی و فشار آن بر بانکها مبنی بر اعطای تسهیلات تکلیفی یا برخورد دستوری برای کاهش نرخ سود، باعث می‌شود بانک در شناسایی فرد تسهیلات‌گیرنده و اولویت‌های خود دچار مشکل شود که در نتیجه برگشت سرمایه‌ها با حساسیت دنبال نخواهد شد و تسهیلات از کارایی لازم برخوردار نخواهد بود. در همین حال یک مقام اسبق بانک مرکزی با برشمردن دلایل ایجاد ترازنامه منفی بانکها، معتقد است هرچه سریع‌تر دولت باید جسارت و قدرت مقابله با چنین شرایطی را در خود ایجاد کند.

معوقات بانکی ۱۹ درصد

رییس کل اسبق بانک مرکزی در رابطه با علت ترازنامه منفی بانکها گفت: این موضوع دلایل مختلفی دارد. دلیل اول آن بحث معوقات بانکی است که اکنون طبق آمار غیررسمی ۱۹ درصد است. طهماسب مظاهری در مورد دلایل این حجم از معوقات بانکی که رقم بالایی در اقتصاد است، گفت: دلیل اول عدم نظارت بانکها نسبت به کسانی است که تسهیلات از آنها گرفته‌اند و در این رابطه نظارت کمی وجود دارد تا مشتری‌ها وام‌ها را در جای خود مصرف کنند و بازپرداخت انجام دهند. مظاهری عامل دوم معوقات بانکی را شرایط اقتصادی نامناسب کشور دانست که در طول سالهای گذشته با سیاست‌های اشتباه بر کشور حاکم شده و فضای رکود را در اقتصاد کشور به وجود آورده است و گفت: تعدادی از افرادی که وام گرفته‌اند به نیت سرمایه‌گذاری و ایجاد تولید بوده است تا بتوانند از منافع و سود آن وام خود را بازپرداخت کنند اما شرایط رکودی که اکنون حاکم است فضای کسب و کار و رونق در آن را از آنها دور کرده است و در نتیجه آنها نتوانستند تعهدات خود را به بانکها بپردازند. وی دلیل سوم معوقات بانکی را تسهیلات تکلیفی، اجباری و دستوری توسط دولت به بانکها دانست و به رادیو اقتصاد گفت: در دولت سابق نیز این موضوع وجود داشته است، بدون اینکه اعتباری از مشتری دریافت شود به آنها وام پرداخت می‌شده و مشتری طلبکارانه به بانکها رجوع می‌کرده و اگر بانکها در پرداخت آن همکاری نمی‌کردند دستگاه دولتی به مقابله با آن می‌پرداخته است. مظاهری دلیل دیگر ترازنامه منفی را که در دولت فعلی شکل گرفته است و رییس کل بانک مرکزی نیز به آن اذعان دارد، افزایش سود علی‌الحساب دانست و افزود: زمانی که سود پرداختی به مشتریان با سود دریافتی از تسهیلات اعطایی به آنها متوازن نباشد چنین وضعیتی به وجود می‌آید. رییس کل اسبق بانک مرکزی با اشاره به تبعات چنین وضعیتی در اقتصاد کشور گفت: هرچه سریع‌تر دولت باید جسارت و قدرت مقابله با چنین شرایطی را در خود ایجاد کند چرا که این امکان وجود دارد، بانکها نتوانند به تعهدات خود در قبال مشتری‌ها عمل کنند که این شرایط نگران‌کننده خواهد بود و برای مقابله با آن باید عزم جدی وجود داشته باشد.

ورود سپرده‌های سرگردان به بانکها

در همین رابطه پژوهشگر بانکی تخصیص غیربهبینه منابع بانکها را دلیل ایجاد دارایی‌های سمی در ترازنامه آنها می‌داند. محمد ارباب افضلی گفت: در حالی که بانکها وظیفه واسطه‌گری مالی دارند و به نمایندگی از مردم باید فعالیت کنند، نقدینگی را در بخش‌های غیرتخصصی مانند مسکن سرمایه‌گذاری کردند که امروز از آنها به عنوان بنگاه‌داری بانکها یاد می‌شود. وی افزود: با ورود بازار مسکن به رکود، بازدهی مورد انتظار بانکها تامین نشد و در نهایت بخشی از این منابع به عنوان منابع قفل شده در ترازنامه نظام بانکی خودنمایی کرد و امروز از آنها به عنوان دارایی‌های سمی و منجمد یاد می‌شود. ارباب افضلی تصریح کرد: جریانی که به عنوان سپرده‌ها وارد نظام بانکی شد از طرف تسهیلات دچار مشکل کرد. همچنین بخشی از منابع نیز به خاطر تخصیص غیربهبینه بانکها، دوباره دارایی‌های سمی را در ترازنامه‌ها ایجاد کرد. این پژوهشگر بانکی افزود: جریانی که به عنوان سپرده‌ها وارد نظام بانکی شد از طرف تسهیلات دچار مشکل شد. وی ادامه داد: علاوه بر این، امروز حضور دولت در بخش بانکی را به صورت تسهیلات تکلیفی یا تاثیرگذاری در تعیین نرخ سود بانکی می‌بینیم و اینها باعث شد بانک شناسایی فرد تسهیلات‌گیرنده را در اولویت قرار ندهد، چون مساله بانک سودآوری نبود و تنها به سهم بازار فکر می‌کرد. ارباب افضلی به اینها گفت: در چنین شرایطی بانکها خیلی درباره برگشت سرمایه‌ها با حساسیت کار نمی‌کنند و بعد بحث اطلاعات نامتقارن پیش می‌آید و تسهیلات دیگر کارایی لازم را ندارد.

در عین حال، به جای برگشت و درآمدزایی از تسهیلات، مطالبات معوق و دارایی‌های منجمد در نظام بانکی ایجاد می‌شود. این کارشناس ارشد پژوهشی گفت: این مسایل باعث شد بانک‌ها درآمدی برای تسهیلات پرداخت شده متصور نباشند و از آنسو به دلیل رکود در بازارهای مسکن و ارز و... عموماً سپرده‌های سرگردانی که باعث جریان مخرب نقدینگی بودند، بهترین محل سرمایه‌گذاری را نظام بانکی می‌دانستند.

روزنامه دنیای اقتصاد / دوشنبه ۹۶/۰۵/۰۹ شماره ۶۱۰۶ صفحه ۳

در گزارش پژوهشی وزارت صنعت مشخص شد

عدم تعادل در توانمندسازی تجاری

دنیای اقتصاد: سنجش شاخص توانمندسازی تجاری ایران از عدم تعادل در این بخش حکایت دارد. براساس گزارش منتشر شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت در فاصله زمانی بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ هر چند اقداماتی در راستای بهبود رتبه ایران در ۶ زیر شاخص «کیفی جاده‌ها، کیفیت زیرساخت‌های راه‌آهن، اتصال خطوط کشتیرانی، کیفیت جاده‌ها، کارآمدی خدمات پستی و اشتراک اینترنتی با پهنای باند ثابت» صورت گرفته است، اما در مقابل اقدام مناسبی برای بهبود زیر شاخص‌های «نرخ تعرفه، سهم واردات معاف از حقوق گمرکی، حاشیه برتری در بازارهای مقصد، تعرفه اسمی، زمان صرف شده برای واردات و فضای باز برای مشارکت خارجی» صورت نگرفته است.

کاهش هزینه‌های تجاری در راستای توانمندسازی تجاری را می‌توان از جمله اقداماتی دانست که در چهار زیرشاخص «دسترسی به بازار، مدیریت مرزی، زیرساخت و محیط عملیاتی» همواره مورد توجه کشورها بوده است؛ زیرشاخص‌هایی که عملیاتی کردن آنها شرایط را برای کاهش هزینه‌های تجاری‌سازی فراهم می‌کند به همین دلیل غالب کشورها با صرف هزینه‌های بالا سعی می‌کنند تا در این زمینه گام‌های اساسی بردارند. این شاخص در برگیرنده اقدامات اقتصادی و سیاسی است که عمدتاً کاهش هزینه‌های تجاری را به همراه دارند، هزینه‌هایی که برخی برون‌زا و خارج از کنترل بوده و برخی دیگر درون‌زا و مرتبط با سیاست‌های ملی کشورها است. با این شرایط می‌توان گفت کشورهایی که در ارزیابی این شاخص امتیاز ضعیف‌تری کسب کرده‌اند به مراتب هزینه‌های پایین‌تری را برای سیاست‌های توانمندسازی تجاری صرف کرده‌اند. براساس گزارش منتشر شده برای سنجش توانمندسازی تجاری کشورها در ارزیابی زیر شاخص «دسترسی به بازار» که از آن به‌عنوان یکی از زیرشاخص‌های کاهش هزینه‌های توانمندسازی تجاری یاد شده است دو رکن دسترسی به «بازار داخلی و خارجی» مدنظر قرار می‌گیرد، ارکانی که برای ارزیابی آنها معیارهای «نرخ تعرفه، پیچیدگی شاخص تعرفه‌ای و سهم واردات معاف از حقوق گمرکی» برای رکن دسترسی به بازار داخلی و «تعرفه اسمی و حاشیه برتری در بازارهای مقصد» به‌عنوان معیار اندازه‌گیری در رکن دسترسی به بازار خارجی در ارزیابی مورد توجه است.

از سوی دیگر برای زیرشاخص «مدیریت مرزی» نیز که در برگیرنده رکن کارایی و شفافیت مدیریت مرزی می‌شود ۱۳ معیار در نظر گرفته شده که در این خصوص می‌توان به «شاخص خدمات گمرکی، کارایی فرآیند شفاف، زمان صرف شده برای واردات (پذیرش مدارک)، زمان صرف شده برای واردات (پذیرش مرزی)، هزینه برای واردات (پذیرش مدارک)، هزینه برای صادرات (پذیرش مدارک)، هزینه برای صادرات (پذیرش مرزی)، رشوه و پرداخت غیرمعارف، قابلیت پیش‌بینی طول مدت فرآیند واردات و شاخص شفافیت حقوق گمرکی» اشاره کرد.

سومین زیرشاخص در ارزیابی کشورها در راستای توانمندسازی تجاری به «زیرساخت» مربوط می‌شود زیرشاخصی که در دسترس بودن و کیفیت زیرساخت حمل‌ونقل یک کشور و خدمات مرتبط و زیرساخت‌های ارتباطی ضروری برای سهولت جریان کالا به کشور از طریق مرزها را اندازه‌گیری می‌کند؛ برای این زیرشاخص نیز سه رکن «قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت حمل و نقل، قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات حمل و نقل و قابلیت دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات» پیش‌بینی شده است. براساس گزارش منتشر شده برای ارزیابی «قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت‌های حمل و نقل» در مجموع ۷ معیار در نظر گرفته شده است که در این خصوص می‌توان به «تعداد صندلی‌های موجود در خطوط هوایی بین‌المللی، کیفیت زیرساخت‌های حمل و نقل هوایی، کیفیت زیرساخت‌های راه‌آهن، شاخص اتصال خطوط کشتیرانی، کیفیت زیرساخت بنادر، شاخص کیفی جاده‌ها و کیفیت جاده‌ها» اشاره کرد. برای ارزیابی رکن «قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات حمل و نقل» نیز ۶ معیار پیش‌بینی شده که در این خصوص می‌توان به «سهولت و قابلیت

پرداخت هزینه‌های حمل و نقل، کیفیت و قابلیت لجستیکی، امکان ردیابی و پیگیری، به هنگام بودن حمل برای رسیدن به مقصد، کارآمدی خدمات پستی و کارآمدی تغییر در شیوه‌های چهارگانه حمل و نقل» اشاره کرد.

اما درخصوص رکن «قابلیت دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات» نیز هفت معیار «اشتراک تلفن همراه، اینترنت با کاربران شخصی، اشتراک اینترنتی با پهنای باند ثابت، استفاده از ICTS برای معاملات میان بنگاه‌های تجاری، استفاده از اینترنت برای معاملات بین بنگاه و مصرف‌کننده نهایی و خدمات بر خط دولت» برای اندازه‌گیری در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر درخصوص «محیط عملیاتی» به‌عنوان چهارمین رکن نیز در مجموع پنج معیار اندازه‌گیری در نظر گرفته شده که در این خصوص می‌توان به «حمایت از حقوق مالکیت، کارآمدی و پاسخگویی سازمان عمومی، دسترسی به منابع مالی، فضای باز برای مشارکت خارجی و امنیت فیزیکی» اشاره کرد.

وضعیت ایران در توانمندسازی تجاری

با توجه به گزارش منتشر شده رتبه ایران در شاخص توانمندسازی تجاری در گزارش سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ با تنزل رتبه مواجه بوده و از رتبه ۱۳۰ به ۱۳۲ رسیده است. وضعیت ایران در معیارهای تعریف شده برای اندازه‌گیری توانمندسازی تجاری در بین ۶ معیار «نرخ تعرفه، سهم واردات معاف از حقوق گمرکی، حاشیه برتری در بازارهای مقصد، تعرفه اسمی، زمان صرف شده برای واردات و فضای باز برای مشارکت خارجی» وضعیت نامطلوب‌تری داشته به‌طوری که در این معیارها رتبه ایران از بین ۱۳۶ کشور در محدوده ۱۳۰ تا ۱۳۶ قرار گرفته است. اما توانسته درخصوص معیارهای «شاخص کیفی جاده‌ها، کیفیت زیرساخت‌های راه‌آهن، شاخص اتصال خطوط کشتیرانی، کیفیت جاده‌ها، کارآمدی خدمات پستی و اشتراک اینترنتی با پهنای باند ثابت» رتبه کمتر از ۷۰ را کسب کند و به این طریق در وضعیت بهتری قرار گیرد. با توجه به این گزارش می‌توان گفت ایران از لحاظ زیرساخت‌های ارتباطی از وضعیت نسبتاً بهتری در مقایسه با معیارهای مرتبط با فرآیندها و ساختارهای تعرفه‌ای برخوردار باشد، به‌طوری که بهترین معیارها در رکن قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت حمل و نقل قرار دارند. از سوی دیگر ارکان دسترسی به بازار داخلی و خارجی ضعیف‌ترین معیارها را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل دو رکن مذکور که تنزل رتبه را در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ تجربه کرده‌اند، در حالی که در پنج رکن دیگر بین ۲ تا ۶ پله بهبود یافته‌اند.

براساس ارزیابی‌های صورت گرفته در سال ۲۰۱۶ ایران در میان ۲۰ کشور منطقه در شاخص توانمندسازی تجاری توانست یک پله بالاتر از یمن در جایگاه نوزدهم قرار گیرد. در این سال کشورهای سنگاپور، هلند و هنگ‌کنگ به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را در شاخص توانمندسازی تجاری کسب کرده‌اند. ایران در سال ۲۰۱۶ برای شاخص توانمندسازی تجاری در دنیا امتیاز ۳/۱۶ را از امتیاز یک تا ۷ به خود اختصاص داد. رتبه ایران نیز از میان ۱۳۶ کشور در این سال ۱۳۲ بوده است.

روزنامه گسترش صمت / سه شنبه ۹۶/۰۵/۱۰ شماره ۸۲۸ صفحه ۴

توسعه درون‌زا؛ کارآفرین یا سرمایه‌گذار؟

منیر حضوری: با توجه به اهمیت موضوع کارآفرینی در اقتصاد ملی و جهانی می‌توان به نقش آن در تولید ثروت و ایجاد اشتغال اشاره کرد. هرچند نقش کارآفرین در اقتصاد کشور بسیار واضح است اما هنوز نگاه‌ها متفاوت است. برخی از کارشناسان باور دارند که کارآفرینی در ایران جا افتاده و در مقابل برخی دیگر هنوز گله‌مندند و معتقدند راه زیادی در پیش است. کارآفرینان ذوق و پشتکاری دارند که افراد معمولی کمتر از آن ویژگی‌ها بهره‌مندند. در قرن شانزدهم میلادی کارآفرینی برای نخستین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت. تعاریف زیادی تاکنون از واژه کارآفرینی شده که هر یک ابعادی از ویژگی‌های کارآفرینی را ارائه می‌دهد اما در همه تعاریف بر نوآوری، تصمیم‌گیر، متعهد و مخاطره‌پذیر بودن کارآفرین اتفاق نظر وجود دارد. برای بررسی این موضوع در ایران و تفاوت آن با سرمایه‌گذاری با کارشناس و نخستین کارآفرین ایران صحبت کردیم.

هیچ وقت معنی شکست را نفهمیده‌ام

بهرروز فروتن، نخستین کارآفرین ایران با بیان اینکه نقش کارآفرین در جامعه غیرقابل انکار و بی‌بدیل است در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: برخلاف اینکه خیلی‌ها فکر می‌کنند کار سختی است اما باور دارم که خیلی راحت است. کارآفرینی درواقع تبدیل اندیشه به عمل با حرکت گام‌به‌گام است، در این مسیر اندیشه خوب، جامع‌نگری، پرسش‌گری، هدفمند بودن، پشتکار داشتن و جا نزدن از موارد مهم است. فروتن درباره ویژگی‌های یک کارآفرین و تفاوت آن با سرمایه‌گذار گفت: کارآفرین اگر

جایی زمین بخورد از همان جا بلند می‌شود. او سرمایه‌گذار نیست بلکه نقش‌آفرین و ارزش‌آفرین است. کارآفرین یعنی کسی که اندیشه نو دارد، اندیشه خیلی مهم است چراکه می‌تواند یک کار جدید را برای دیگران انجام دهد در حالی که سرمایه‌گذار کسی است که باید این اندیشه را بپذیرد تا بتواند آن کار را پیش ببرد. این کارآفرین برتر کشور ادامه داد: سرمایه‌گذار دنبال ریسک نیست بلکه دنبال تایید و قطعی بودن افزایش سرمایه‌اش است اما کارآفرین توفان فکری ایجاد می‌کند و ریسک‌پذیر است. از طرف دیگر در حالی که کارآفرین به دنبال کارهای نو می‌رود اما سرمایه‌گذار فقط اجراکننده آن تفکر است. البته سرمایه‌گذار امکاناتی دارد که کارآفرین ممکن است نداشته باشد که مهم‌ترین آن بحث مالی است. وی در ادامه از اهمیت پشتکار سخن گفته و بیان کرد: تا بخواهید موانع و سختی‌ها وجود دارد اما کارآفرین مصمم به رفع این موانع است. به عبارتی همیشه موانعی است که نگذارند یک تفکر در اجتماعی پیشرفت کند اما کارآفرین همیشه در رقابت و تلاش است تا با آن موانع مبارزه کند. مبارزه یک اندیشه است و اندیشه همه کارآفرینان در کشور به‌دست آوردن هویت برای انجام کار است. فروتن در پاسخ به این سوال که چند بار ورشکست شده‌اید تا توانسته‌اید دوباره روی پای خود بایستید گفت: من هیچ‌وقت ورشکست نشده‌ام بلکه همواره تجربه کسب کرده‌ام. باور دارم آدم‌های موفق تجربه به‌دست می‌آورند و شکست نمی‌خورند چراکه شکست به معنای پایان کار است اما تجربه یعنی انتهای یک کار برای کاری دیگر. آدم موفق کسی که نوآوری می‌کند ممکن است در کاری تاوان سنگینی بدهد اما هیچ‌وقت معنی شکست را نمی‌فهمد.

کارآفرینی نقطه آغاز مشارکت بخش خصوصی

حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس بازار کار نیز درباره اهمیت کارآفرینی با صمت گفت‌وگو و بیان کرد: هرچند این موضوع بسیار مهم است اما در ادبیات تخصصی حوزه کار و کشور ما تنها چند سالی است که وارد شده و کمتر جایگاه اصلی خود را پیدا کرده است. او با ابراز تاسف از اینکه هنوز آن‌طور که باید و شاید کارآفرینی در کشور ما جا نیفتاده اظهار کرد: هنوز باور مسئولان به به‌درستی جا نیفتاده در صورتی که کارآفرین کسی است که نقطه آغاز مشارکت مردم و بخش خصوصی در حوزه اقتصاد است. او با اشاره به اهمیت نقش کارآفرین در کشورهای توسعه‌یافته بیان کرد: کارآفرین کسی است که در عین حال که اطلاعات خوبی از مدیریت دارد ابداع‌کننده یک حرفه است. او برای اینکه بتواند این کار را انجام دهد نیازمند حمایت‌های جدی و خاص است که اگر آنها را درک و فضا را آماده نکنیم نمی‌توانیم موفق باشیم. حاج‌اسماعیلی درباره تفاوت نقش کارآفرین با سرمایه‌گذار نیز گفت: به‌طور قطع سرمایه‌گذار کسی است که در حد کارآفرین می‌تواند مطرح باشد و در بازار کار اثرگذاری خوبی داشته باشد. نقش آن با کارآفرین این‌قدر متفاوت نیست که فکر کنیم کارآفرین برتر از سرمایه‌گذار است اما در بازار کار ما به شدت نیازمند سرمایه‌گذار هستیم، چون کسی است که می‌تواند پول را راحت‌تر در جاهای دیگر به کار بگیرد و سود منطقی و مطمئن دریافت کند. او منابعی دارد که به‌طور عمده مادی است و انگیزه دارد که آنها را در بازار کار به کار بگیرد و اعتقاد دارد که این سرمایه‌ها باید در گردش بازار کار ارزش افزوده ایجاد کند. این کارشناس بازار کار با اشاره به اینکه نقش سرمایه‌گذار با یک فرد پولدار متفاوت است اظهار کرد: سرمایه‌گذار با کسی که تنها پول دارد تفاوت جدی دارد چراکه منابعش را برای خدمت به کشور، تولید ثروت، ایجاد اشتغال و توسعه بازار کار به کار می‌گیرد و همه ریسک‌های بازار کار را به جان می‌خرد. به این ترتیب سرمایه‌گذاران می‌توانند کارآفرینان را حمایت کنند زیرا می‌خواهند پولشان را وارد حرفه‌ای کنند که پیش‌بینی خوبی از آن در بازار کار می‌شود. حاج‌اسماعیلی تاکید کرد: برای اینکه به سمت مشارکت مردم در حوزه اقتصاد برویم و با مشکلات فرهنگی مبارزه کنیم اگر بخواهیم اقتصاد دولتی را به سمت بخش خصوصی ببریم یکی از گزینه‌ها این است که حمایت از این گزینه‌ها زیاد و بستر برای کارآفرینان در کشور فراهم شود.

روزنامه جهان صنعت / سه شنبه ۱۰/۰۵/۹۶ شماره ۳۶۹۳ صفحه ۲

فرمانده بی اختیار

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- عدم استقلال کافی ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی برای حل مشکلات اقتصادی جهانگیری را به ستوه آورد. معاون اول رییس‌جمهور تصمیمات قاطع و به موقع را کلید حل مشکلات اساسی اقتصاد ایران می‌داند و بر این باور است که با تعارف و رودربایستی این چالش رفع نخواهد شد. اقتصاد ایران که این روزها حال خوبی ندارد، در آستانه روی کار آمدن دولت دوازدهم چشم‌انتظار سیاست‌ها و برنامه‌های کابینه جدید است تا با اجرای تصمیمات درست بار دیگر رونق به اقتصاد بازگردد. اگرچه در دولت یازدهم تورم کنترل شد و سال ۱۳۹۵ نیز رشد اقتصادی دورقمی برای اقتصاد ایران

به ثبت رسید ولی با این حال هنوز مساله تورم، رشد اقتصادی و همچنین موضوعاتی مانند کاهش نرخ بیکاری و کاهش نابرابری در اقتصاد ایران را می‌توان چالش‌های مهمی دانست که اقتصاد ایران در چهار سال آینده با آن روبه‌رو خواهد بود. قطعاً مقابله با چالش‌های اقتصادی نیازمند تصمیمات قاطع و به دور از بازی‌های سیاسی است اما در شرایط فعلی سیاست، اقتصاد را ابزار دست خود کرده و درگیری‌های جناحی بیش از پیش منافع ملی را تهدید می‌کند به طوری که کارشناسان بر این باورند که مشکلات اقتصادی در کشور ما نه وابسته به متغیرهای اقتصادی بوده و نه براساس کارکردهای علم اقتصاد شکل گرفته است و آنچه امروز از آن به عنوان ناکارآمدی اقتصاد در ایران نام برده می‌شود، ریشه در سیاستگذاری‌های اقتصادی بر مبنای تئوری‌های علم اقتصاد نداشته بلکه به سبب تصمیم‌گیری‌ها و مصالح سیاسی به وجود آمده است.

اختیارات ویژه نداریم

بر همین اساس چگونگی مقابله با چالش‌های اقتصادی به جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی کشیده شد و اسحاق جهانگیری با اشاره به چالش‌های مختلف اقتصادی کشور و با تاکید بر اینکه حل این چالش‌ها با تعارف و رودربایستی میسر نیست، گفت: مقابله با چالش‌های اصلی اقتصادی کشور نیازمند تصمیم‌گیری‌های قاطع و به موقع است. معاون اول رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به تغییر نام ستاد راهبری اقتصاد مقاومتی به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی گفت: صرف تغییر نام و اطلاق عنوان فرماندهی نمی‌تواند در اجرای برنامه‌های اقتصاد مقاومتی موثر باشد بلکه مهم‌تر از عنوان فرماندهی، اختیاراتی است که این ستاد باید از آن برخوردار باشد. رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ادامه داد: اتخاذ تصمیمات راهگشا و قاطع، نیازمند اختیارات ویژه است و اگر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی از اختیارات کافی برخوردار نباشد، برنامه‌های این ستاد می‌تواند در جلسات سایر شوراهای نظیر شورای اقتصاد نیز پیگیری شود. وی با یادآوری اینکه دولت یازدهم تلاش وسیعی برای تحقق و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در پیش گرفت، تصریح کرد: دولت یازدهم تمرکز جدی بر اجرای اقتصاد مقاومتی معطوف کرد و با اولویت‌بندی برنامه‌ها تلاش شد اقتصاد کشور در برابر شوک‌های داخلی و خارجی مقاوم شود. معاون اول رئیس‌جمهور افزود: شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد عملکرد دولت یازدهم در سال ۹۵ مثبت بوده و تداوم روند کاهش تورم و افزایش رشد مثبت اقتصادی از جمله دستاوردهای اقتصادی در این چهار سال بوده است. رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در ادامه با اشاره به گزارشات ارائه‌شده در جلسه دیروز ستاد مبنی بر کاهش میزان صادرات غیرنفتی در چهار ماهه نخست سال‌جاری، تصریح کرد: در این گزارش دلایل کاهش صادرات غیرنفتی و موانع پیش روی توسعه صادرات نیز مطرح شد اما برای حل این موانع نیازمند اتخاذ تصمیمات جدی و راهگشا هستیم. جهانگیری با تاکید بر اینکه موضوع حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی امری مهم و ضروری برای کشور است، خاطرنشان کرد: اگر به دنبال اشتغالزایی و افزایش تولید هستیم، هیچ اقدامی مهم‌تر از آن نیست که زمینه را برای ورود کالاهای ایرانی به بازارهای بین‌المللی فراهم کنیم که تحقق این امر هم نیاز به حمایت از توسعه صادرات دارد و هم رفع موانع پیش روی صادرکنندگان را می‌طلبد. معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به تدوین بسته حمایتی جدید توسعه صادرات غیرنفتی برای سال ۹۶ گفت: در وزارت امور اقتصادی و دارایی هیاتی برای پیگیری این بسته ماموریت یافته‌اند و انتظار داریم اتاق بازرگانی ایران و دبیرخانه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی نیز اجرای این بسته را با جدیت پیگیری کنند. جهانگیری رفع موانع بانکی را از مهم‌ترین پیش‌نیازها برای توسعه صادرات و واردات کالا و تامین منابع مالی خارجی دانست و خواستار تدوین و پیگیری جدی راهکارهای عملی برای حل تعاملات بانکی با کشورهای هدف صادراتی ایران شد. در این جلسه که وزیر امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ارتباطات و فناوری اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کشور، نیرو، نفت، روسای سازمان‌های برنامه و بودجه کشور، اداری و استخدامی، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور در امور اجرایی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، رئیس کل بانک مرکزی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور، رئیس اتاق بازرگانی ایران و رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی نیز حضور داشتند، نماینده سازمان برنامه و بودجه گزارشی از تحولات صادرات غیرنفتی در سال جاری و پیش‌نویس بسته حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی برای سال ۹۶ ارائه کرد و به تشریح تحولات صادرات غیرنفتی سال ۹۵، تحولات صادرات در چهار ماهه نخست سال ۹۶ و دلایل افت میزان صادرات در این چهار ماه پرداخت.

در این گزارش همچنین توضیحاتی درخصوص آخرین وضعیت تجارت خارجی کشور طی چهار ماهه نخست سال ۹۶ ارائه شد و پیشنهادات کارگروه برون‌گرایی اقتصاد مقاومتی در قالب بسته حمایت از صادرات غیرنفتی برای سال ۹۶ مطرح شد . مهم‌ترین اقلام کاهش‌یافته صادرات غیرنفتی و مهم‌ترین اقلام افزایش واردات در سه ماهه نخست سال‌جاری و دلایل کاهش صادرات در برخی اقلام از دیگر موضوعاتی بود که در این جلسه مطرح شد و اعضای جلسه نظرات و پیشنهادات خود را در این خصوص مطرح کردند . در ادامه گزارش سازمان برنامه و بودجه، بالا بودن قیمت تمام‌شده تولید، مشکل نقل و انتقالات بانکی، بالا بودن هزینه تامین مالی صادرات، بالا بودن هزینه حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و دریایی، رقابت ناسالم صادرکنندگان در برخی کشورها و تنش‌های منطقه‌ای و از دست دادن بازارهای منطقه از جمله دلایل کاهش صادرات غیرنفتی در سال‌جاری مطرح شد .

اعطای تسهیلات به صادرکنندگان

در همین حال محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت در تشریح جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به درآمد ۴۵ میلیارد دلاری صادرات نفتی در سال ۹۶ اشاره کرد و ادامه داد: براساس سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور، نمی‌توانیم همه این ۴۵ میلیارد دلار را در بودجه استفاده کنیم لذا بناست حدود ۳۰ درصد از این اعتبار که بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار می‌شود، وارد صندوق توسعه ملی کشور شود . وی گفت: درصددیم از محل اعتبار ۱۵ میلیارد دلاری صادرات نفتی در صندوق توسعه ملی، به توسعه صادرات غیرنفتی از طریق ارائه تسهیلات به صادرکنندگان این بخش کمک کنیم . سخنگوی دولت چگونگی اعطای تسهیلات ارزی و ریالی را از جمله محورهای گفت‌وگوی جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ذکر کرد و افزود: میزان ارائه تسهیلات به صورت ارزی و ریالی و چگونگی محاسبه ارزان این تسهیلات برای صادرکنندگان غیرنفتی بحث و بررسی شد . رییس سازمان برنامه و بودجه ادامه داد: خوشبختانه هیات امنای صندوق توسعه ملی برای صادرات غیرنفتی در بخش صنعت و کشاورزی نرخ‌های ترجیحی قائل شدند . نوبخت گفت: رویکرد عمده این جلسه تاکید بر برون‌گرایی در سیاست‌های کلی اقتصاد کشور بود . وی یکی از وجوه عملی این برون‌گرایی را توسعه صادرات غیرنفتی خواند و افزود: بحث این جلسه چگونگی تعیین ساز و کار حمایت از صادرات غیرنفتی در کنار صادرات نفتی بود . معاون رییس‌جمهور ادامه داد: در این جلسه بحث بر سر این بود که از آنجا که صندوق توسعه ملی تسهیلاتی به مراتب با نرخ ارزان‌تر از نظام بانکی به صادرکنندگان اعطا می‌کند لذا تعیین ساز و کاری برای پرداخت مابه‌التفاوت به منظور محاسبه ارزان‌تر این تسهیلات از طریق بودجه نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

روزنامه دنیای اقتصاد / سه شنبه ۹۶/۰۵/۱۰ شماره ۴۱۰۷ صفحه ۵

رئیس اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» مطرح کرد

خودانتقادی بخش خصوصی

در دوره‌های مختلف شاهد آن بوده‌ایم که اتاق بازرگانی، چه اتاق ایران و چه اتاق تهران همیشه مطالبه‌گر بوده و یک لیست از خواسته‌هایش را آماده کرده و به دولت داده است اما این مطالبات همیشه در حد همین لیست باقی می‌ماند. درست است که دولت یکسری اقدامات انجام می‌دهد اما به نظر می‌رسد دوران این مطالبه‌گری باید بالاخره تمام شود و بخش خصوصی به جای این همه انتظار از دولت برای حمایت، خود نیز اقداماتی را انجام دهد. اما تاکنون این حرکت از سوی بخش خصوصی دیده نشده است. پارلمان بخش خصوصی تا چه زمانی می‌خواهد این مطالبه‌گری را ادامه دهد؟ نتیجه این مطالبه‌گری‌ها تا الان چه بوده است؟

بله آنچه گفتید درست است. تا الان هم چیزی که مورد انتظار بخش خصوصی بوده است، واقعیت پیدا نکرده و شاید در برخی موارد خاص، شاهد این بوده‌ایم که تقاضاهای بخش خصوصی تا حدی مورد توجه قرار گرفته است. اما اشکالی که در این باره وجود دارد بزرگ‌تر از این حرف‌ها است. به اعتقاد من رابطه بین دولت و بخش خصوصی باید بازتعریف شود. هم بخش خصوصی باید تغییرات عمده‌ای در داخل بدهد و هم دولت باید به این واقعیت برسد که بدون کمک بخش خصوصی نمی‌تواند به اهدافش برسد. اگر قرار باشد بخش خصوصی به مطالبات خود دست یابد، نیازمند آن هستیم که یک ائتلاف‌سازی در بخش خصوصی ایجاد شود و این بخش بتواند یک صدای رسا و واحد داشته باشد. در این صورت می‌تواند ادعا کند یک بخش خصوصی جدی، منسجم و هماهنگ است. در این ارتباط باید همه تشکلهای بخش خصوصی و بخش تعاونی

زیر یک پرچم واحد بیایند و به دنبال مطالبات بخش خصوصی باشند که بخش کوچکی از این کار انجام شده است. اتاق اصناف، اتاق بازرگانی و اتاق تعاون این ائتلاف را انجام داده‌اند. یک دبیرخانه واحد هم تشکیل شده است. اما این اقدام خیلی جوان و تازه است. هنوز نمی‌توانیم ادعا کنیم این ائتلاف هم به بلوغ کامل خود رسیده است و به سمت و سوی خوبی حرکت می‌کند. سایر تشکلهای بخش خصوصی باید به این ائتلاف بپیوندند و همه تحت یک برنامه منسجم، کارهای خود را با هماهنگی انجام دهند.

ائتلاف تشکل‌ها با بخش خصوصی چه مزایایی می‌تواند داشته باشد؟

این موضوع نشانه‌های مثبت را به دنبال دارد. وقتی تشکل‌ها متفرق نباشند، تصمیم‌گیران را دچار اشتباه نمی‌کنند. چراکه در حال حاضر قسمت‌های مختلف بخش خصوصی، مطالبات مختلفی از دولت دارند که گاهی ممکن است حتی با یکدیگر متضاد باشد. در واقع یک خواسته یکسان و یکپارچه از دولت وجود ندارد. در اینجا تصمیم‌گیران سرگردان می‌شوند که کدام یک از این خواسته‌ها، خواسته‌های درست‌تری است. اگر این ائتلاف انجام شود و صدای واحد به وجود آید، در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، دولت‌مردان دچار تردید نمی‌شوند و این می‌تواند نتایج بسیار مثبتی داشته باشد.

در بسیاری از مسائل همین تضاد منافع موجب شده تا بخش خصوصی نتواند در بسیاری از موارد موضع‌گیری کند. این تضاد منافع چگونه می‌تواند منجر به یک تصمیم واحد شود؟

نظرات متفاوت باید وجود داشته باشد. این تضاد منافع که می‌گوییم، همواره وجود دارد و البته اشکالی هم ندارد. ولی وقتی من می‌گویم این ائتلاف‌ها باید شکل بگیرد، یعنی همه تشکل‌ها باید دور هم بنشینند و بحث کنند و خروجی این جلسات، یک تصمیم واحد باشد که همه موظف باشند روی تصمیم بمانند و به آن عمل کنند. می‌توان در اتاق که به عنوان پارلمان بخش خصوصی است، این نظرات را طرح کرد و نهایتاً به صحن علنی هیات نمایندگان برد و آنجا مطرح کرد در نهایت و رای اکثریت، مبادا یک تصمیم باشد. اینگونه عملکرد، تشنت را هم از داخل و هم از نگاه سیاست‌گذاران از بین می‌برد؛ در صورتی این کار انجام می‌شود که همه این تصمیم را بپذیرند. فعالان اقتصادی باید این موضوع را قبول کنند که نفع فردی باید در منافع ملی جست‌وجو شود. اگر کشور ما در مجموع به یک توسعه متناسب دست پیدا کند، شامل همه آحاد ملت می‌شود. این نگاه در اتاق و سایر تشکل‌های خصوصی باید حکمفرما شود که ما همه به دنبال رشد و توسعه اقتصادی کشور هستیم و منافع ملی ارجحیت دارد. منافع فردی هم مستقل از منافع ملی نیست؛ اگر ما در بخش خصوصی این نگاه را داشته باشیم و مسائل منافع فردی و گروهی را حکمفرما نکنیم، اعتماد دولت بالا می‌رود و حرف‌های بخش خصوصی بهتر مورد قبول قرار می‌گیرد. اگر بتوانیم درون بخش خصوصی کدهای اخلاق حرفه‌ای را حکمفرما کنیم، مطمئناً این اعتمادسازی به نحو مطلوبی بین دولت و بخش خصوصی انجام می‌شود و آن موقع خیلی بهتر به اهدافمان می‌رسیم. در مجموع بعد از اینکه این ائتلاف انجام شود، لازم است یک شراکت عمومی- خصوصی بین دولت و بخش خصوصی ایجاد شود. این دو اگر به یک شراکت منصفانه نرسند، نمی‌توانند به هم کمک کرده و اهداف کشور را پیاده کنند. دولت هم باید متوجه این موضوع باشد که بسیاری از خواسته‌های بخش خصوصی که منافع ملی در آن مستتر است، با این شراکت قابل تحقق است. آن زمان این باور به وجود می‌آید که بیش از گذشته در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، بخش خصوصی را مشارکت دهند. اگر این مشارکت شکل بگیرد، اجرای هر برنامه‌ای به سادگی قابل انجام است. چراکه طرفین در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی به یک تفاهم و مقبولیت رسیده‌اند و خودشان را ملزم به اجرا می‌دانند.

به نظر شما وظیفه اصلی اتاق بازرگانی چیست؟ آیا باید در تصمیم‌سازی‌های کلان اقتصادی تأثیرگذار باشد یا به مشکلات جزئی فعالان اقتصادی رسیدگی کند؟

اتاق بازرگانی یا سایر تشکل‌های بخش خصوصی به نظرم بیش از آنکه وظیفه داشته باشند به مسائل و مشکلات روزمره فعالان اقتصادی بپردازند، وظیفه اصلی‌شان این است که سرمنشأ ایجاد مشکلات را مورد توجه قرار بدهند و اگر در زمان تدوین و تصویب قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص داشته باشند به‌طور ریشه‌ای می‌توانند مسائل و مشکلات فعالان اقتصادی را حل کنند. اگر منبع تولید مشکل را حل نکنیم، مشکلات هرچقدر هم کوچک باشد، پشت‌سر هم خواهند آمد و ما در یک دور باطل قرار می‌گیریم. این مسائل و مشکلات هم مرتب مطرح می‌شود و دولت تحت فشارهای زیاد قرار می‌گیرد.

در حال حاضر بخش خصوصی جایگاه خوبی در تصمیم‌گیری‌ها دارد و تقریباً در هر شورا و کمیته یک کرسی نیز از آن بخش خصوصی است. این جایگاه توانسته مشکلات این بخش را حل کند؟ شرایط نسبت به گذشته خیلی بهتر شده، ولی بخش خصوصی همچنان در اقلیت است. حتی اگر حق رای داشته باشد. در یک شورای ۱۰ نفره که اتاق هم حضور دارد، مثلاً بخش خصوصی ۲ رای دارد. بنابراین در اینجا نظراتش را اعلام می‌کند اما رای‌اش تعیین‌کننده نیست.

آیا برای برون‌رفت از این شرایط، راهکاری را مدنظر دارید؟

به نظر من باید رای بخش خصوصی بیشتر و تعیین‌کننده‌تر باشد. ما باید این را قبول کنیم و به این باور برسیم که دولت و بخش خصوصی دارای اهداف مشترکی هستند. بنابراین هر دو بخش (بخش خصوصی و دولت) باید مکمل همدیگر باشند. اما در حال حاضر حتی اهداف هم مشخص نیست. ما از گذشته دور تا الان متأسفانه یک استراتژی منسجم توسعه اقتصادی در کشور نداشتیم. همه دولت‌هایی هم که بعد از انقلاب آمده‌اند، استراتژیست بودند و خودشان را استراتژیست می‌دانستند. هر دولتی هم آمده است برنامه‌ای را تدوین کرده؛ اما با شروع دولت بعدی، برنامه‌های دولت قبل کنار گذاشته شده است و دولت جدید برنامه جدیدی را شروع کرده و به تصویب رسانده است. مشکل اصلی این است که ما یک برنامه منسجم برای توسعه کشور نداریم. یک هدف مشخص نکرده‌ایم و متأسفانه خیلی وقت‌ها ابزارها به جای هدف نشسته‌اند. به‌عنوان مثال مباحثی همچون نرخ سود بانکی، نرخ مالیات، تعرفه‌ها و... ابزاری هستند برای اینکه ما را به هدف توسعه برسانند. اما به اشتباه خود این ابزار را هدف قرار داده‌ایم و این کار باعث شده تا هدف اصلی ناپیدا و گم شود. خواسته اولیه ما به‌عنوان پارلمان بخش خصوصی این است که دولت برنامه‌اش را تدوین و اعلام کند. نداشتن هدف و برنامه خود دولت را هم با مشکل مواجه می‌کند. ما فکر می‌کنیم که عدم هماهنگی تیم اقتصادی دولت بیشتر برای این است که یک برنامه و هدف مشخص اقتصادی که همه حول آن محور حرکت کنند، وجود ندارد، از همین‌رو هر وزیری محور بخش خودش است و می‌خواهد گلیم خود را از آب بیرون بکشد.

به نکته‌ای اشاره کردید که اتفاقاً این روزها می‌تواند نقل بسیاری از محافل دولتی و خصوصی باشد. در آستانه تعیین کابینه دولت دوازدهم هستیم و هماهنگی تیم اقتصادی دولت در این ۴ سال خیلی مهم است.

آیا مهم‌ترین هماهنگ‌کننده کابینه را همان تعیین‌هدف می‌دانید؟

این تعیین هدف به نظر من مهم‌ترین مساله است، آن وقت تکلیف ارتباط بخش خصوصی و دولت هم بهتر مشخص می‌شود. دولت هم تیم اقتصادی‌اش را برای رسیدن به یک هدف مشخص، هماهنگ‌تر می‌کند. ما الان باید مشخص کنیم که در ۴ سال آینده به کجا می‌خواهیم برسیم. همه باید به دنبال آن نقطه تعیین‌شده و مطلوب باشند اما این برنامه وجود ندارد. در این شرایط، این سرگردانی هم در دولت و هم در بخش خصوصی به وجود می‌آید. مشکلات هم به حول و قوه خود باقی می‌ماند. هر زخمی که ایجاد می‌شود نیاز به پانسمان دارد. یکسری اقدامات فوری و اورژانسی برای حل مشکلات انجام می‌شود اما نباید فراموش کرد که این اقدامات زخم را برای مقطع زمانی کوتاهی بهبود می‌بخشد. ممکن است این زخم بعد از پانسمان نیاز به جراحی‌های عمیق داشته باشد، بنابراین اقدامات فوری نباید ما را از برنامه‌های بلندمدت بازدارد.

مشخصه این برنامه ادامه‌دار که بخواد در تمام دولت‌ها اجرا شود، چیست؟

در بخش اقتصادی در برنامه‌هایمان باید دو موضوع را در نظر بگیریم. اول اینکه باید بدانیم اولویت‌بندی ما در بخش پولی در نقاط مختلف کشور چیست؟ اولویت‌های اقتصادی هر کدام از استان‌ها چه بخش‌هایی است؟ دوم مکان‌یابی است؛ اینکه در چه نقاطی از کشور چه بخش‌هایی باید مورد توجه جدی قرار بگیرند و مکان‌های بهینه برای توسعه هر بخش مشخص شود. اگر چنین نباشد، مثلاً در آذربایجان تولید کولر بیشتر از استان خوزستان می‌شود که البته در حال حاضر در بسیاری از بخش‌ها شاهد چنین رفتاری هستیم. پس از آن هم باید در نظر داشته باشیم که در هر بخشی با توجه به آینده‌نگری چه ظرفیت‌هایی باید وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر ظرفیت‌سنجی انجام شود. در حال حاضر در بخش‌هایی از تولیدمان با مازاد ظرفیت شدید مواجهیم و اگر این مازاد ظرفیت به همین تناسب افزایش پیدا کند، در شرایط رونق اقتصادی هم واحدهای ما با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند. از سوی دیگر در ایران به بحث توسعه‌ای منطقه‌ای توجه نمی‌شود. ایران کشوری با شرایط اقلیمی و طبیعی متنوع و متفاوت است، بنابراین اینکه در تهران بشینیم و یک نسخه واحد برای همه مناطق بپیچیم اشتباه است، از این‌رو به برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیاز است. این برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید تجمیع بشود و هر استانی

باید در تدوین برنامه توسعه اقتصادی کشور حضور داشته باشد و با توجه به شناختی که از منطقه خودش دارد، برنامه‌هایش را تدوین کند و در نهایت یک برنامه توسعه متوازن برای کشور تدوین شود. این برنامه تاکنون وجود نداشته است. اگر این طرح انجام شود، در کنار آن توزیع و تقسیم قدرت در کشور نیز مهم است. اینکه همه قدرت در تهران متمرکز باشد و اختیارات استانی مورد توجه قرار نگیرد، درست نیست، در نتیجه این تمرکز قدرت باید شکسته شده و در استان‌ها توزیع شود. استانداران و سایر مدیران منطقه‌ای باید اختیارات بسیار بالاتری داشته باشند که الان متأسفانه این‌گونه نیست. نگاه دولت به استانداران یک نگاه هزینه‌ای است. بودجه‌ای برای هر استان تعیین می‌شود و استاندار به‌عنوان تنخواه‌دار بودجه نقش ایفا می‌کند.

یعنی استانداران اختیاراتی ندارند؟

خیر؛ باید این نگاه هزینه‌ای تبدیل شود به یک نگاه درآمدی. اگر این اختلاف وجود داشته باشد استانداران به سمت تدوین برنامه‌های توسعه‌ای و نگاه درآمدی می‌روند. حتی بخشی از درآمدهای ایجادشده هم می‌تواند در اختیار خود استان قرار بگیرد. اگر این کار در مناطق مختلف کشور انجام شود، آن وقت می‌توان اقدامات کلان‌تری را در استان‌ها انجام داد. سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای همسایه در استان‌های مرزی می‌تواند در امنیت منطقه‌ای کشور تأثیرگذار باشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای را به‌دنبال داشته باشد. البته در دولت یازدهم در این رابطه کارهایی هم انجام شده و تمرینی در این‌باره شروع شده که اتاق بازرگانی این قضیه را خیلی جدی گرفت. این کار، کار تازه‌ای است. شرایط اقلیمی سرزمینی و استان‌هایی که در بعضی موارد با هم همگن هستند، شناسایی شده‌اند و بر این اساس در اتاق بازرگانی کشور را به هفت منطقه تقسیم کرده‌ایم. دولت هم به این قضیه نظر مثبتی دارد، اگر این کار با نظر مساعد همگان انجام شود، در آن زمان می‌توان پروژه‌هایی را در کشور تعریف و به هر منطقه، مناسب با شرایط اقلیمی آن، پروژه‌ای را واگذار کرد. این موضوع امکان مشارکت مردم در فعالیت اقتصادی را فراهم می‌کند. یکی از اهداف اقتصادمقاومتی هم، مردمی کردن اقتصاد است که در این برنامه می‌تواند محقق شود.

آنچه شما عنوان کردید شرایط مطلوبی است. اما برخی بر این باورند که حتی اگر بهترین برنامه‌ها را هم تدوین کنند، مسائل سیاسی و لابی‌ها نمی‌گذارند اجرا شود. مثال واضح آن هم کارخانه فولاد است که قرار بود در بندرعباس باشد و سر از اصفهان درآورد. برای اینکه این مشکلات تکرار نشود، چه کار باید کرد؟

به نظر من این همان نداشتن یک برنامه است. اگر ما یک برنامه بلندمدت مصوبی داشته باشیم نفوذ گروه‌های ذی‌نفع خیلی کمتر می‌شود. در حال حاضر چون برنامه نداریم، همه اقدامات مقطعی است و اثرگذاری گروه‌های ذی‌نفع برای تصمیم‌گیری‌ها بیشتر است ولی اگر ما یک برنامه توسعه‌ای مصوب داشته باشیم، دیگر نمی‌توانیم از برنامه منحرف شویم. اشاره‌ای که شما به فولاد داشتید درست است. در همین مرحله مکان‌یابی اشتباه عمل شده است. فولاد را در جاهایی گسترش دادند که همین الان بسیاری از روستاهای آن منطقه آب آشامیدنی‌شان با تانکر تأمین می‌شود و در این طرف، آب‌های خلیج فارس و دریای عمان بلااستفاده مانده‌اند. این موضوع یک فاجعه برای محیط‌زیست کشور محسوب می‌شود. علت چنین اتفاقی نیز این بوده که برنامه مصوب منسجم وجود نداشته است و گاهی اوقات بعضی طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌ها گرفتار گروه‌های ذی‌نفع شده است. تنها در فولاد نیست، از این دست تصمیم‌گیری‌ها در کشور کم نیست. من فکر می‌کنم که اگر ما براساس مطالعات مکان‌یابی اولویت‌بندی و ظرفیت‌سنجی، برنامه منسجمی داشته باشیم، عبور از این برنامه به راحتی امکان‌پذیر نیست و این اتفاقاتی که شما اشاره کردید پیش نخواهد آمد.

دنیاى اقتصاد- بمانجان ندیمی: «در بخش خصوصی یک خواسته یکسان و یکپارچه از دولت وجود ندارد»؛ این جمله از زبان کسی شنیده می‌شود که سکان بخش خصوصی را در دست دارد. او که قریب به یازده ماه است که بر صندلی ریاست اتاق بازرگانی ایران در دوره هشتم تکیه زده، از نبود صدای واحد در بخش خصوصی گله‌مند است. غلامحسین شافعی می‌گوید اگر بخش خصوصی می‌خواهد به خواسته‌های خود دست یابد و مشکلات را از میان بردارد، باید ائتلافی بین بخش‌های غیردولتی اقتصاد شکل گیرد تا به این واسطه، صدای واحد و رسا از این ائتلاف شنیده شود. این گفته‌های شافعی در حالی مطرح می‌شود که چند روز پیش، معاون اول ریاست جمهوری در دیدار با فعالان اقتصادی، از غیبت صدای واحد در بخش خصوصی انتقاد کرده بود. اسحاق جهانگیری به این موضوع اشاره کرده بود که بخش خصوصی گفت‌وگوی مناسبی در درون خود برای شناسایی مسائل اصلی انجام نداده است، بنابراین وقتی موضوعی از سوی اتاق به دولت ارائه می‌شود،

معلوم نیست که واقعا دغدغه بخش خصوصی است یا خیر. حال رئیس اتاق ایران هم مهر تایید بر اظهار نظر جهانگیری می‌زند و این غیبت بزرگ را تایید می‌کند. البته او می‌گوید که گام‌های ابتدایی این ائتلاف برداشته شده و در همین رابطه به ائتلاف شکل گرفته بین سه اتاق بازرگانی، اصناف و تعاون اشاره دارد. ائتلافی که هنوز جوان بوده و به بلوغ نرسیده است. شافعی می‌گوید که تمام تشکلهای باید به ائتلاف بپیوندند تا تصمیم‌سازان را دچار اشتباه نکنند. نفع فردی باید در منافع ملی جست‌وجو شود. این نگاه در اتاق و سایر تشکلهای خصوصی باید حکمفرما بشود که ما همه به دنبال رشد و توسعه اقتصادی کشور هستیم و منافع ملی ارجحیت دارد. البته رئیس پارلمان بخش خصوصی نه تنها بخش خصوصی را مورد انتقاد قرار می‌دهد، بلکه از دولت نیز گله‌مند است و عنوان می‌کند که هیچ‌گاه در کشور برنامه و هدف منسجمی برای دستیابی به توسعه نداشته‌ایم و همین موضوع هم در ادوار مختلف باعث عدم هماهنگی بین تیم اقتصادی دولت‌ها شده است. او مهم‌ترین برنامه دولت دوازدهم را همین تدوین استراتژی توسعه اقتصادی می‌داند و اعتقاد دارد با تصویب این نقشه راه، می‌توان رابطه دوسویه و مکملی را بین دولت و بخش خصوصی ایجاد کرد. در ادامه مشروح مصاحبه غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران را با «دنیای اقتصاد» می‌خوانید.

روزنامه گسترش صمت / چهارشنبه ۹۶/۰۵/۱۱ شماره ۸۲۹ صفحه ۴

پدیده قاچاق رسمی آفت مبارزه با اقتصاد کثیف

منیر حضوری: مطرح می‌شود بیشتر کالاهای قاچاق به کشور از مبادی رسمی وارد می‌شود و حجم این واردات بیشتر از ۳۰ درصد است و علت آن نبود کنترل‌های لازم و تجهیزات مناسب در گمرکات کشور است.

کارشناسان باور دارند که هیچ‌گاه از مبادی غیررسمی نمی‌توان ده‌ها کانتینر کالای قاچاق را وارد کشور کرد. زمانی که ده‌ها کانتینر کالای قاچاق کشف می‌شود نشان می‌دهد که از مرز غیررسمی وارد نشده‌اند بلکه تمامی آنها از مرز و جاده رسمی و عبور از گمرکات کشور وارد شده‌اند. بنا به گفته سیدحسن حسینی شاهرودی، عضو هیات رئیسه کمیسیون اقتصادی محموله لنج‌های بزرگ حامل کالای قاچاق از مبادی که طبق قانون اجازه واردات ندارند مانند اروند، وارد کشور شده و علت آن قرار گرفتن این بنادر در مناطق آزاد و کنترل ناکافی گمرک بر آنهاست. نماینده مردم شاهرود در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه نیاز به اسکنرهای بزرگ در گمرکات وجود دارد و دولت به تازگی تعدادی را خریداری کرده گفت: بخشی از حجم قاچاق کالا از مبادی رسمی دیگری مثل مناطق چندگانه آزاد به علت نظارت‌های ناکافی و محصور نبودن وارد کشور می‌شود. حسینی شاهرودی با تاکید بر اینکه بیشتر کالای قاچاق از طریق مبادی رسمی کشور وارد می‌شود، بیان کرد: قاچاق ته‌لنجی وجود ندارد و این مسئله بهانه‌ای بوده برای اینکه یکسری از ملوانان و کارگران برای خود منافعی داشته باشند اما اکنون شاهد وارد شدن لنج‌های بزرگ حامل کالای قاچاق به عنوان ته‌لنجی به بنادر کشور هستیم. چندی پیش حبیب‌الله حقیقی، رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز از نقش مثبت دولت یازدهم در کاهش روند قاچاق کالا در کشور سخن گفت. بنا به گفته او در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم و اصلاح قوانین شاهد تحولات چشمگیری در مبارزه با قاچاق کالا بودیم به نحوی که حجم کشفیات ۳۱ درصد افزایش و حجم کالای قاچاق ۵۰ درصد کاهش یافت. به هر حال قاچاق کالا آفتی است که کشور دچار شده و مبارزه با آن نیاز به اراده همگانی دارد. در این باره با کارشناسان صحبت کردیم.

قصه‌ای سازمان‌یافته

مجیدرضا حریری، نایب رئیس اتاق ایران و چین با اشاره به معضل قاچاق کالا در کشور به صمت گفت: آنچه در کشور ما قاچاق می‌شود کالایی است که به صورت آماده وارد می‌شود، قابل مصرف است و کالای واسطه‌ای یا مواد اولیه نیست. حجم کالایی که وارد کشور می‌شود در پایین‌ترین حد حدود ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار است. عبور این مقدار از طریق مرزهای رسمی کشور بیانگر آن است که قصه قاچاق در کشور ما یک جریان سازمان‌یافته است. او ادامه داد: وقتی به آمار گمرک نگاه می‌کنیم حدود نصف این مبلغ از طریق کانال‌های رسمی انجام می‌شود یعنی تاجران رسمی و قانونی کشور که یک سازمان دارند برای واردات‌شان می‌توانند نیمی از کالایی که قاچاق می‌آورند را وارد کشور کنند. به این ترتیب متاسفانه سیستم قاچاق در ایران سازمان‌یافته‌تر از سیستم واردات قانونی است. نایب رئیس اتاق ایران و چین با بیان اینکه قاچاق یک مقوله اقتصادی است و مبارزه با آن روش‌های اقتصادی را می‌طلبد گفت: بگیر و ببند فقط بخش انتهایی حلقه مبارزه با قاچاق است، برای مقابله با آن راه‌های زیادی وجود دارد. بر اساس تجربه می‌دانیم هر قدر واردات قانونی مشکل‌تر و

سختگیرانه‌تر باشد و با ممانعت‌های قانونی تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مواجه شود از تقاضای آن کالا در بازار کم نمی‌شود یعنی متقاضی سیگار، پوشاک، تلفن همراه در بازار وجود دارد. او تاکید کرد: با تعرفه‌های بالا، ممانعت‌های قانونی و غیرتعرفه‌ای و سختگیری‌هایی که می‌شود بازار را در اختیار قاچاقچی گذاشته‌ایم و این بازار برای آنها جذاب است. بنابراین تا زمانی که جذابیت وجود دارد باندهای سازمان‌یافته راه‌های ورود قاچاق را کمابیش پیدا می‌کنند. حریری با اشاره به اقدامات مثبت دولت یازدهم بیان کرد: اقداماتی که در راه مبارزه با قاچاق در دولت یازدهم شده قابل تقدیر است. براساس آمار رسمی رقم قاچاق کالا به نصف آنچه بوده رسیده که خود علائمی از موفقیت است و نشان می‌دهد که عزم مبارزه با قاچاق در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به شکل اقتصادی وجود دارد. او درباره اهمیت الکترونیک کردن گمرک اظهار کرد: نظارت بر بازارهای توزیع تا حدودی جواب داده اما هنوز نقاط ضعفی وجود دارد. باور دارم اگر راهکارهای اقتصادی مثل کم کردن مقررات و قوانین زاید را در نظر نداشته باشیم دوباره با آمار لجام‌گسیخته روبه‌رو می‌شویم. اگر کالا به سهولت و با روال قانونی به دست مصرف‌کننده برسد بخش مهمی از انگیزه و جذابیت قاچاق هم از بین می‌رود. باید روی تسهیل فضای کسب و کار متمرکز شویم و با در اختیار گذاشتن کانال‌های رسمی و قانونی برای فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان این اجازه را بدهیم که قدرت انتخاب‌شان بالا برود.

حضور گمرک کمرنگ است

آلبرت بغزیان، استاد اقتصاد دانشگاه تهران به صمت گفت: این عددی که بیان می‌شود قاچاق کالا از کانال‌های رسمی حدود ۳۰ درصد است را خیلی نمی‌شود باور کرد چراکه معلوم نیست براساس چه معیارهایی حساب شده است. این کارشناس اقتصاد درباره مبارزه با قاچاق کالا بیان کرد: تنها جایی که می‌تواند تحت نظر باشد مناطق آزاد است. کالایی که وارد آن منطقه می‌شود غیرمجاز وارد نمی‌شود بلکه ممکن است تعرفه‌ای به آن نخورد. بنابراین گمرک منطقه آزاد نگاه می‌کند که حجم کالا چقدر است و بعد اجازه می‌دهد که وارد منطقه شده و فروش برود. این استاد دانشگاه در ادامه به وجود اسکله‌های غیرقانونی و غیرمجاز در کشور اشاره و اظهار کرد: چیزی را غیرقانونی می‌گوییم که از مراحل رسمی عبور نکند. به عبارتی جایی که گمرک حضور ندارد آن اسکله را غیرمجاز می‌نامیم. با توجه به اینکه ما یک مرز دریایی طولانی در جنوب کشور داریم خیلی سخت است که کل نوار دریایی را کنترل کنیم اما به سادگی می‌توانیم جایی را که مستعد رشد کالای قاچاق است و بالقوه استعداد ورود کالای غیرمجاز را دارد شناسایی کنیم. او با اشاره به اینکه حضور گمرک در برخی مواقع و در جاهایی کمرنگ است اظهار کرد: اینکه اسکله غیرمجاز در کیش است یعنی حضور گمرک کمرنگ است. برای تغییر این وضعیت کافی است که آنجاها گمرک را حاضر کنیم. البته چون ممکن است مشکلات دیگری پیش بیاید و دور از چشم است کشتی‌ها پهلو می‌گیرند و آن کالاها وارد کشور می‌شود. بغزیان تاکید کرد: به راحتی می‌توانیم با یک گشت دریایی تمام نقاط حساس را شناسایی کرده و مامور بگذاریم تا آن منطقه را مجهز و با قاچاق کالا مبارزه کنیم اما اراده کافی وجود ندارد. امروز ابزارهای زیادی است که باعث می‌شود راحت رصد و تمامی زوایا را بررسی کنیم. به هر حال این‌همه کالای قاچاق که توسط چمدان مسافر وارد نمی‌شود بلکه به وسیله باندها و افرادی است که به راحتی قابل پیگیری است. در این باره البته همکاری مجلس، وزارت اقتصاد و نهادهای مربوط را نیازمندیم.

روزنامه جهان صنعت / چهارشنبه ۹۶/۰۵/۱۱ شماره ۳۶۹۴ صفحه ۲

سرنوشت نامعلوم حاکم پولی

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- بانک مرکزی همواره به عنوان یکی از قوی‌ترین نهادهای سیاستگذار و ناظر بر اقتصاد کشور که مسوول تنظیم و اجرای طرح‌های اعتباری و پولی بر اساس سیاست‌های کلی اقتصادی کشور است، عملکرد دولت‌ها و میزان موفقیت آنها در عرصه اقتصاد را بازتاب می‌دهد و کارنامه روسای بانک مرکزی در هر دوره نسبت به دیگر دوره‌ها و در همین راستا دستاوردهای حاصل‌شده در دوران حیات آنها مورد سنجش کارشناسان و فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد. رییس کل بانک مرکزی در دوره چهار ساله دولت یازدهم که از سال ۱۳۹۲ به این حکم منصوب شده است، حال با نزدیک شدن به روزهای پایانی این دولت باید کارنامه خود را به رییس‌جمهور ارائه دهد و ضمن بررسی عملکردش در حوزه پولی و مالی طی این مدت توسط کارشناسان، مسوولان و صاحب‌نظران، مشخص شود که آیا وی توانایی باقی ماندن در این پست پراهمیت دولتی برای دولت آینده را دارد یا خیر.

ولی‌الله سیف در طول این مدت اقدامات بسیاری در زمینه سیاست‌گذاری‌های پولی در اقتصاد و سیستم بانکی کشور انجام داده است که طبیعتاً برخی از آنها دستاوردهای مثبت و برخی دیگر تبعات منفی برای اقتصاد کشور به همراه داشته‌اند و لازم است با بررسی موشکافانه این اقدامات مشخص شود میزان توفیق و عملکرد وی در طول چهار سال گذشته چگونه بوده است؟

سیف در راس بانک مرکزی در راستای تحقق اهداف کلی اقتصاد مقاومتی در طول چهار سال گذشته، اقداماتی در جهت حفظ ثبات اقتصاد کلان کشور از طریق کنترل نرخ تورم، ثبات‌بخشی به بازار ارز و اعطای تسهیلات به بخش‌های اقتصادی در راستای کمک به رشد اقتصادی انجام داده است. همچنین تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تعمیق بازار بین‌بانکی و هدایت بانک‌ها به این بازار، انتظام‌بخشی به حساب‌های دولتی از طریق راه‌اندازی سامانه نسیم، بازنویسی و بومی‌سازی سامانه‌های نظام‌های پرداخت مانند سامانه ساتنا و چکاوک، طراحی و راه‌اندازی سامانه نظارت ارز (سنا)، تثبیت نرخ ارز در کشور و تامین به موقع و مناسب ارز مورد نیاز واردکنندگان، انتظام‌بخشی به بازار پول و افزایش پوشش آمارهای پولی و بانکی از جمله اقدامات مثبت بانک مرکزی و رییس کل آن در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بوده است. با این حال اتخاذ سیاست‌های اقتصادی که نقاط ضعفی در پیاده‌سازی داشته‌اند یا عدم اجرایی شدن برخی وعده‌های سیف در طول این چهار سال، باعث شده در نمره‌دهی به عملکرد رییس کل بانک مرکزی با تردید مواجه شویم که لازمه آن بررسی برخی اقدامات عمده و نتایج و تاثیرات آنها بر بدنه اقتصادی کشور است.

نرخ تورم

مسئولان بانک مرکزی تک‌رقمی شدن تورم را به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد این بانک در تریبون‌ها و گزارش‌های خود مطرح می‌کنند. کاهش نرخ تورم از حدود ۴۰ درصد به زیر ۱۰ درصد، اقدامی بزرگ و ارزشمند و حتی کم‌سابقه در دوران حیات کشور است و لازم است به مجموعه دولت یازدهم و بانک مرکزی به خاطر آن تبریک گفت ولی نکته حائز اهمیت در این میان آن است که این دستاورد به عقیده بسیاری از کارشناسان و فعالان بازار به قیمت ایجاد رکود گسترده در جامعه حاصل شده است و در طول ماه‌های اخیر صحبت‌های زیادی مبنی بر صحیح یا غلط بودن این اقدام دولت و بانک مرکزی از سوی موافقان و مخالفان به میان آمده است.

در این مسیر التزام مجموعه دولت و همکاری رییس‌جمهور نسبت به انضباط مالی، باعث شد بانک مرکزی برای کنترل نرخ تورم دچار مشکل جدی نباشد و در این بین تمام بخش‌های اقتصاد و اعضای دولت دست به دست هم دادند تا بانک مرکزی نهایت توان خود را برای مهار تورم به کار گیرد که در این مسیر با توفیقات ارزشمندی هم همراه بود.

این در حالی است که در دولت‌های نهم و دهم مشکل اصلی اعمال فشار مستقیم رییس‌جمهور وقت به بانک مرکزی و بانک‌ها برای پرداخت‌های بدون پشتوانه بود که البته با هیچ‌گونه مقاومتی از سوی رییس کل وقت بانک مرکزی روبه‌رو نمی‌شد. نقطه قوت در دوران ریاست سیف بر بانک مرکزی این بود که رییس‌جمهور و مشاوران اقتصادی‌اش به پیامدهای استقرار از بانک مرکزی کاملاً واقف بودند و جز در چند مورد محدود مانند پرداخت دو هزار میلیارد تومان بابت تسهیلات خرید خودرو در قالب طرح ضربتی خروج از رکود، بانک مرکزی را برای تزریق پول تحت فشار قرار ندادند.

در واقع می‌توان گفت بانک مرکزی در کنار تیم اقتصادی دولت در زمینه مهار تورم و کنترل قیمت‌ها توانست خوب عمل کند و دستاورد تورمی حاصل‌شده جزو کارهای به‌یادماندنی دولت و بانک مرکزی به شمار می‌رود ولی سیف و تیم مشاوران و معاونین همراهش همواره مورد نقد در زمینه گسترش رکود اقتصادی بوده‌اند که باعث شده دستاورد تورمی حاصل‌شده با کشمکش‌های فراوانی مواجه باشد.

موسسات غیرمجاز

یکی دیگر از اقدامات سیف در زمان ریاست در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعطای مجوز به موسسه مالی و اعتباری کاسپین بود که از انحلال هشت تعاونی تشکیل می‌شد. این مجوز در حالی اعطا شد که این تعاونی‌ها با مشکلات زیادی همراه بودند و صلاحیت مورد نیاز را نداشتند و مجموعه اقدامات انجام‌شده نتوانست گره‌های کور موجود که ناشی از مشکلات ساختاری بود را از هم باز کند. سیف و معاونانش از ابتدای آغاز کار بانک مرکزی وعده‌هایی در مورد ساماندهی این موسسات دادند و قصد داشتند ظرف یک سال پرونده این موسسات را ببندند اما با گذشت زمان مشخص شد مساله پیچیده‌تر از تخمین مسوولان بانک مرکزی است و به همین علت هم تاکنون نه‌تنها برخی از این موسسات در حال ادامه

فعالیت خود و جذب سپرده‌های مردم هستند، بلکه در مواردی موسساتی چون کاسپین که تحت نظارت بانک مرکزی وظیفه ساماندهی به سپرده‌های مردم در این تعاونی‌ها و موسسات را داشتند، دچار مشکلات فراوانی شده‌اند و سپرده‌گذاران آنها با اعتراض و بعضاً تجمع‌هایی مقابل نهادهای حاکمیتی، خواستار رسیدگی به مشکلاتشان هستند.

در واقع می‌توان گفت با آنکه طی سال‌های گذشته همواره بانک مرکزی در این مسیر تلاش کرده و بالغ بر یکصد تعاونی غیرمجاز را ساماندهی و صدها تعاونی و صندوق غیرمجاز را تعطیل کرده است اما اقدامات انجام‌شده باعث بازگردانده شدن سپرده‌های مردم نشده است و همین امر نارضایتی مردم را نسبت به عملکرد بانک مرکزی به همراه داشته است. در مورد اتفاقات اخیر که به موضوع تعاونی‌های غیرمجاز از جمله تعاونی اعتبار غیرمجاز و منحل فرشتگان مربوط می‌شود، بانک مرکزی به شناسایی و ارزیابی دارایی‌های این تعاونی و اختصاص خط اعتباری به موسسه اعتباری کاسپین به اندازه دارایی‌های شناسایی‌شده پرداخته است تا امکان تعیین تکلیف یا پرداخت سپرده‌های مردم فراهم شود. با این حال طولانی شدن این روند و عدم وصول مطالبات سپرده‌گذاران در مراجعه به برخی شعب باعث شکل‌گیری نقطه منفی در ذهن مردم نسبت به عملکرد سیف و بانک مرکزی شده است.

کاهش نرخ سود

کاهش نرخ سود بانکی هم‌راستا با کاهش نرخ تورم شاید یکی از اصلی‌ترین وعده‌های رییس کل بانک مرکزی از ابتدای فعالیتش در مدیریت بازار پولی و بانکی بوده باشد ولی مراجعه به شعب بانک‌ها و موسسات کشور نشان می‌دهد نرخ بهره بانکی آن گونه که باید و شاید در طول یک سال گذشته، در مدیریت و کنترل بانک مرکزی قرار نداشته است.

رییس کل بانک مرکزی طی سخنانی در ابتدای سال گذشته از برنامه این بانک برای کاهش نرخ سود بانکی و تداوم آن خبر داده بود ولی این وعده سیف به طور اثرگذار و نتیجه‌بخش محقق نشد. در واقع طی این مدت و با وجود تداوم روند نزولی نرخ تورم مطابق آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، خبری از کاهش نرخ سود بانکی جز در تعداد محدودی از بانک‌های دولتی، به گوش نمی‌رسید و این درحالی است که تمامی کارشناسان و صاحب‌نظران در عرصه تولید و اشتغال بر لزوم کاهش نرخ بهره بانکی تاکید داشته‌اند و عقیده دارند تا زمانی که نرخ‌ها در محدوده‌ای متناسب با نرخ تورم تثبیت نشود، امکان رشد سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی در کشور فراهم نخواهد شد؛ اتفاقی که تاکنون رخ نداده است و بانک مرکزی نتوانسته عملکرد مثبتی در این زمینه حاصل کند. سیف معتقد است مقدمه کاهش نرخ سود بانکی با تغییر نرخ سود بازار بین‌بانکی و کاهش آن فراهم شده است ولی شاید به این خاطر که بانک مرکزی تمایلی به کاهش دستوری نرخ سود ندارد، تا کنون نتوانسته سود بانکی را به محدوده مورد نظر برساند. با توجه اینکه حدود چند هفته به پایان حیات دولت یازدهم باقی مانده است، بعید به نظر می‌رسد وعده رییس کل بانک مرکزی مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی در این دولت محقق شود و باید احتمالاً منتظر تحقق آن در دولت دوازدهم ماند.

تک‌نرخی شدن ارز

یکی دیگر از وعده‌های اقتصادی رییس کل بانک مرکزی که در طول سال‌ها مورد توجه کارشناسان و فعالان اقتصادی بوده است و آن را مقدمه‌ای برای کاهش نرخ سود بانکی و توسعه فضای کسب و کار در ایران می‌دانند، تک‌نرخی کردن ارز است. در حالی که این وعده مطابق اظهار نظرهای سیف به نظر می‌رسید در سال ۹۳ اجرایی شود، با این حال تا امروز محقق نشده است و این اتفاق در شرایطی رقم می‌خورد که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران حوزه پولی و بانکی، با اجرایی شدن برجام و همچنین ثبات نسبی ایجاد شده در بازار کشور به واسطه کنترل تورم و رشد مثبت اقتصادی نسبتاً پایدار طی چندین فصل پیاپی، مقدمات اجرای ارز تک‌نرخی فراهم شده ولی اجرای این سیاست منوط به مهیا شدن شرایط بین‌المللی برای نظام بانکی است. از سوی دیگر لازم است تا نظام ارزی کشور از حالت دستوری خارج و به شکل شناور مدیریت شود تا امکان تطبیق نرخ‌ها با واقعیت‌های اقتصادی بازار ایران فراهم شود که این امر تاکنون به دلیل مشکلات موجود محقق نشده است. آن‌طور که قانون برنامه پنجم توسعه تکلیف کرده نظام ارزی کشور باید شناور مدیریت شده باشد و نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین شود تا از بروز مفاسد اقتصادی و رانت در مبادلات اقتصادی جلوگیری به عمل آید. با توجه به اینکه سال‌های گذشته نظام ارزی کشور شاهد چندنرخی بودن ارز بوده است و سیاست‌های مختلف در راستای تک‌نرخی کردن این بازار تاکنون به نتیجه نرسیده است، باید دید با وجود مانورهای تبلیغاتی سیف و بانک مرکزی آیا فرآیند

تک‌نرخی شدن ارز در دولت دوازدهم به وقوع خواهد پیوست یا باز هم در کشمکش‌های سیاسی و اقتصادی موجود و با بهانه‌های مختلف در سال‌های پیش‌رو عملی نخواهد شد.

انتظارات بخش خصوصی برآورده نشد

کارشناسان نیز بر این باورند که سیف با وجود عملکرد مثبتی که در زمینه ثبات ارزی و مهار نرخ تورم داشته است، آن‌طور که انتظار می‌رفت نتوانسته خواسته‌ها و انتظارات را برآورده سازد. در همین حال ابراهیم جمیلی، رییس خانه اقتصاد ایران در گفت و گو با «جهان صنعت» اظهار کرد: سیف نتوانسته است در طول چهار سال گذشته انتظارات بخش خصوصی را برآورده سازد و همچنین موفق نشد مشکلاتی که در برخی از بانک‌ها و موسسات وجود داشت را به شکل صحیحی مدیریت کند و این‌ها جزو موارد منفی در کارنامه عملکرد سیف در بانک مرکزی به شمار می‌روند. جمیلی گفت: بانک مرکزی در کنار تیم اقتصادی دولت در زمینه مهار تورم و کنترل قیمت‌ها توانست خوب عمل کند و دستاورد تورمی حاصل شده جزو کارهای به یاد ماندنی دولت با حضور خوب بانک مرکزی بود. ولی آقای سیف و تیم اقتصادی اش در حل مشکل رکود اقتصادی به جز در سال گذشته، نتوانست کار خاصی صورت دهد. وی افزود: با این حال سیف نتوانسته است آن‌طور که انتظار می‌رفت خواسته‌ها و انتظارات را برآورده کند و حتی اگر در این مسیر گریبانگیر مشکلات و محدودیت‌هایی بود، لازم به نظر می‌رسید تا این مسایل را با مردم و مسوولان در میان‌گذارد ولی ما هیچ زمان شاهد این نبودیم که رییس کل بانک مرکزی به بیان این محدودیت‌ها بپردازد. جمیلی اضافه کرد: نکته دیگر در کارنامه سیف این بود که بعد از برجام به نوعی اظهار کرد که می‌توان یک‌شبه مشکلات نظام بانکی را حل کرد اما مشکلات ریشه‌ای و سختی‌های موجود، کار را برای بانک مرکزی سخت کرده بود و در آن شرایط بیان این موضوع غلط و عجولانه به نظر می‌رسید. این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: اگرچه برجام برنامه خوب و مفیدی بود ولی نیازمند کار جدی و بلندمدتی بود که بتواند به رفع موانع و توسعه اقتصادی منجر شود با این حال مطرح شدن این موضوع از جانب سیف سطح انتظارات را بالا برد و زمانی که این انتظارات برآورده نشدند نارضایتی فعالان اقتصادی و بانکی را در پی داشت. وی اظهار کرد: در همین زمینه لازم بود بخش بین‌الملل بانک مرکزی از خود فعالیت جدی‌تر و جنبش بیشتری نشان می‌داد و باید تلاش خود را برای رفع موانع موجود و دستیابی به گشایش‌های اقتصادی بیشتر می‌کرد. جمیلی افزود: بانک مرکزی می‌توانست با تقویت تیم‌های مذاکره‌کننده و ارسال آنها به کشورهای خارجی، امکان گفت‌وگو و دستیابی به توافقات بین‌المللی بانکی را به شکل گسترده‌تر و کارآمدتری فراهم کند که این اتفاق در طول یک سال گذشته آن‌طور که انتظار می‌رفت، محقق نشد. وی تاکید کرد: بنابراین انتظاراتی از این دست از مدیری مانند سیف طبیعتاً بالا خواهد بود و زمانی که سطح توقع و انتظارات بالا باشد انتقادات هم بیشتر خواهد بود که می‌تواند مثبت یا منفی بودن عملکرد وی را تحت‌الشعاع قرار دهد. جمیلی با پیش‌بینی شرایط بانک مرکزی در دولت دوازدهم اظهار کرد: می‌توان گفت در چهار سال آینده اگر با یک برنامه جامع و عملیاتی امکان فعالیت هر چه بیشتر و بهتر بانک مرکزی فراهم شود، ولی‌الله سیف در صورت باقی ماندن در سمت خود، می‌تواند عملکرد خوبی از خود نشان دهد و در اختیار گذاشتن چنین فرصتی برای وی در دولت دوازدهم می‌تواند مفید و به سود جامعه بانکی و اقتصادی کشور باشد.

روزنامه دنیای اقتصاد / چهارشنبه ۹۶/۰۵/۱۱ شماره ۴۱۰۸ صفحه ۲

هم‌اندیشی دولت و بخش خصوصی برای تجارت خارجی

دنیای اقتصاد: نشست بررسی تغییرات صادرات اقلام عمده در چهار ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال ۹۵ در محل سازمان توسعه تجارت ایران برگزار شد. در این نشست که وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس سازمان توسعه تجارت و جمعی از واردکنندگان و صادرکنندگان حضور داشتند، محمدرضا نعمت‌زاده ضمن تاکید بر لزوم فرهنگ‌سازی صادرات غیرنفتی، از رشد صادرات و حفظ تراز تجاری مثبت به‌عنوان دو نکته اساسی در تجارت خارجی نام برد و تصریح کرد: افزایش تولید و گسترش مناسبات تجاری با جهان دو عامل موثر در جهت توسعه صادرات به‌شمار می‌رود و این مهم جز با همکاری دو بخش دولتی و خصوصی و آموزش‌های لازم در حوزه تحقیق و پژوهش میسر نخواهد شد. وزیر صنعت، معدن و تجارت همکاری بخش خصوصی، انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی، معدنی و تجاری با وزارت صنعت، معدن و تجارت را زمینه‌ساز حل بسیاری از مشکلات تولیدکنندگان توصیف کرد و گفت: توسعه، نیازمند سهم بیشتری در تجارت جهانی است که تنها با اتحاد و همفکری بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی امکان‌پذیر خواهد بود. نعمت‌زاده با اشاره به تلاش‌های دولت برای مرتفع

کردن مساله تامین ارز مورد نیاز برای نوسازی ماشین‌آلات صنعتی اظهار کرد: تلاش بیشتر در زمینه افزایش تولید برای توسعه صادرات کشور امری ضروری به‌شمار می‌رود.

وی افزود: دولت یازدهم گام‌های مهمی در راستای گسترش مناسبات تجاری با کشورهای که توافق‌نامه تجارت آزاد دارند، مانند کشورهای عضو اوراسیا و اتحادیه اروپا برداشته است. نعمت‌زاده تاکید کرد: باید رشد صادرات و همچنین حفظ تراز تجاری مثبت را در دستور کار خود قرار دهیم.

وی افزود: با وجود ۲۰۰ شرکت بازرگانی می‌توان در صادرات رشد چشمگیری داشت و با افزایش فعالیت این شرکت‌ها که حدود ۷۸ درصد از صادرات را انجام می‌دهند، می‌توان به رشد ۳۰ درصدی در این حوزه امید داشت که این اتفاق بزرگی است.

وی با تاکید بر لزوم صادرات غیرنفتی بیان کرد: سال‌ها فقط روی نفت فرهنگ‌سازی کرده‌ایم که این مهم نیازمند تغییر است. چارچوب اقتصادی کشور باید باز تعریف شود. نیاز امروز کشور آموزش‌های لازم در زمینه تحقیق، پژوهش و فناوری، همچنین واردات آزاد دانش فنی، نیاز حوزه تولید و صنعت است. وی با اشاره به لزوم هماهنگی در امر واردات گفت: واردات باید به‌صورت جهت‌دهی شده صورت بگیرد و به‌جای دولت، واردکنندگان و صادرکنندگان در این امر به‌عنوان شروع‌کننده اقدام کنند. وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به لزوم صادرات محصولات خارجی که در کارخانه‌های داخل ایران ساخته می‌شوند، عنوان کرد: بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند محصولات تولیدی خود را تحت یک برند مشترک صادر کنند. تولیداتی که از سوی کارخانه‌های برند خارجی در ایران صورت می‌گیرند، باید صادر شوند که در این زمینه با شرکت‌های کره‌ای نیز صریح بودم. در بخش دیگری از این نشست مجتبی خسروتاج، قائم‌مقام وزیر در امور تجارت و رئیس کل سازمان توسعه تجارت، با ارائه گزارشی از وضعیت صادرات و واردات کشور در بازه زمانی موردنظر، حاضران را در جریان علل کارشناسی و مطالعه شده آمارها قرار داد. همچنین در این جلسه، صادرکنندگان و واردکنندگان با طرح مسائل روز به بحث و تبادل نظر درخصوص مشکلاتی نظیر عدم رقابتی بودن محصولات به‌دلیل مسائل بانکی، مالیات و هزینه‌های لجستیکی، نرخ ارز و... پرداختند تا با بررسی از سوی بخش دولتی و فعالان تجاری، الزامات برای رشد ۲۵ درصدی شناسایی شود. در کنار مباحث این نشست، رئیس کنفدراسیون صادرات در گفت‌وگو با «ایسنا» به تشریح دلایل افت صادرات در چهارماه منتهی به تیر امسال پرداخته است. به گفته محمد لاهوتی، گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره وضعیت صادرات و واردات مطرح شده بود که در نهایت گمرک آمار نهایی را اعلام کرد و آن چیزی که امروز قابل استناد است آمار چهار ماه ابتدایی امسال است که ۵/۹ درصد کاهش داشته است. وی ادامه داد: متأسفانه بیشترین سهم کاهش در بخش کالاهای صنعتی، کشاورزی و معدنی رخ داده و همچنین در بخش میعانات گازی و پتروشیمی حدود ۲ و ۳ درصد کاهش صادرات داشته‌ایم که در مجموع ۵/۹ درصد کاهش را در کل نشان می‌دهد. رئیس کنفدراسیون صادرات با اشاره به وضعیت واردات گفت: در بخش واردات طی این مدت حدود ۲۴ درصد رشد داشته‌ایم و به‌همین دلیل است که مجموع تجارت خارجی ما یعنی صادرات و واردات حدود ۶ درصد رشد پیدا کرده است، ولی با توجه به اینکه کالاهای وارداتی حدود ۸۵ درصد شامل کالاهای واسطه‌ای، کالاهای سرمایه‌ای و بخشی هم کالاهای اساسی است، نشان می‌دهد که صنعت رونق گرفته و فعالیت تولیدی بیشتر شده است. لاهوتی ادامه داد: کالاهای اساسی هم جزو کالاهای وارداتی بوده است. از سوی دیگر در بخش خودرو واردات رشد داشته که حدود ۵۰۰ میلیون دلار ارزش آن است و در چهار ماه ابتدایی امسال نسبت به مدت مشابه پارسال رشد قابل‌توجهی پیدا کرده است اما با این وجود باز هم این عدد نسبت به کل واردات که حدود ۸/۱۵ میلیارد دلار است عدد چندان قابل‌توجهی نیست. وی با اشاره به دلایل افت صادرات عنوان کرد: مشکلاتی که هر سال برای صادرات وجود دارد از جمله تورم از یکسو و از طرف دیگر افزایش نیافتن نرخ ارز تاثیر خود را بر کاهش صادرات نشان می‌دهد. رئیس کنفدراسیون صادرات تصریح کرد: حقوق و دستمزد ۵/۱۴ درصد افزایش پیدا کرده و افزایش هزینه‌ها در بخش حمل‌ونقل تاثیر خود را بر قیمت تمام شده نشان داده و قیمت تمام شده کالا را بالا می‌برد. طبق اعلام گمرک، حجم تجارت خارجی ایران در پایان چهار ماه ابتدایی امسال با رشد ۶ درصدی به بیش از ۲۹ میلیارد دلار رسید. این درحالی است که مجموع صادرات غیرنفتی ایران به لحاظ ارزشی در چهار ماه منتهی به تیر امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ۵۴/۹ درصد کاهش نشان می‌دهد.

نوبت به جراحی اقتصادی رسید

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- دولت یازدهم در حالی آخرین لحظات حضور خود در جایگاه قوه مجریه را پشت سر می‌گذارد که در طول چهار سال گذشته دوران پر افت و خیزی را تجربه کرده و از حیث تهدیدات بیرونی و دستاوردهای خود، چالش‌های بسیاری را پشت سر نهاده است. در این مسیر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فعال در حوزه‌های اقتصاد در دولت یازدهم کارنامه‌های متفاوت ولی مثبتی را از خود به جای گذاشته‌اند، اما هنوز کارهای انجام نشده بسیاری وجود دارد و دولت دوازدهم باید خود را آماده اجرای آنها کند. با این حال رفتار مردم، جهت‌گیری اقتصادی دولت را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد بیش از هر چیز مهار تورم در دوره یازدهم ریاست‌جمهوری بود که نه تنها اقتصاد، بلکه خلق و خوی ایرانیان را نیز تحت تاثیر قرار داد. همچنین تلاش برای اصلاح ساختارهای اقتصادی و به ویژه اصلاح نظام بانکی کشور، از مهم‌ترین شعارهای دولت و خواسته‌های فعالان اقتصادی در طول چهار سال گذشته بوده است و مردم انتظار دارند با توجه به اتفاقاتی که در چهار سال گذشته رخ داده و آماده‌سازی فضای کشور برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد، دولت دوازدهم بتواند تکمیل‌کننده سیاست‌های صحیح اقتصادی و جابجایی مطالبات مردم در فضای معیشتی و کسب و کار باشد و جراحی‌های مهم را در سال‌های فعالیت خود به انجام برساند. وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان برنامه و بودجه که جزو مهم‌ترین بخش‌های بدنه اقتصادی دولت به شمار می‌روند و از حساسیت بالایی برخوردارند، طی روزهای آتی با مشخص شدن سکنداران این بخش‌ها و چگونگی چینش کارشناسان و مسوولان در آنها رنگ و بوی تازه‌ای به خود خواهند دید و با تعیین گزینه‌های جدید می‌توان به بررسی و تحلیل عملکرد هر وزارتخانه و سازمان‌های سیاستگذار در چهار سال دولت آینده پرداخت. در این میان دولت و مجلس باید در راستای مقررات‌زدایی، حذف قوانین دست و پاگیر و زائد، حذف قوانین غیرمنطقی و خلاف عرف و اجرای قوانین و مقررات بر زمین مانده که امکان تقویت توانایی بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله بانک‌ها، موسسات، صندوق‌ها و سازمان‌های فعال در جهت حمایت از تولید را دارند، قدم بردارند. بانک‌های کشور و ذی‌نفعان سیستم بانکی، انتظار دارند تغییر و تحول مثبت و راهگشایی در بازار پول و بانکداری کشور در راستای تقویت اقتصاد ملی، مقاوم‌سازی اقتصاد، ایجاد اشتغال و حمایت از تولید صورت گیرد و ابهام‌زدایی از سیاست‌های عمومی کشور در حوزه اقتصاد به ویژه سیاست‌های پولی و مالی، اصلاح ساختار خدمات بانک‌های کشور و کاهش فشار بر بخش تسهیلات‌دهی برای تامین هزینه‌های بانک‌ها، تحقق یابد.

در این راه اصلاح برخی قوانین از جمله برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالانه می‌تواند به بهبود فضای بانکی و بازار پول کشور کمک کند. در مقابل برخی مواد از جمله در برنامه ششم توسعه و بودجه‌های سالانه وجود دارند که برخلاف مسیر توانمندشدن بانک‌ها عمل می‌کنند و باید حذف شوند.

احیای اقتصاد در دولت یازدهم

در همین رابطه کارشناسان اقتصادی، با بررسی عملکرد دولت یازدهم و تحلیل انتظارات و خواسته‌ها از دولت دوازدهم، مهم‌ترین اولویت‌های دولت آینده را برشمردند. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اعلام این نکته که در چهار سال گذشته وزرای قوی در بدنه اقتصادی داشتیم، گفت: امیدواریم روند کار در دولت دوازدهم به همین ترتیب ادامه پیدا کند. مهدی تقوی اظهار کرد: وزارت صنعت، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی مهم‌ترین بخش‌های بدنه اقتصادی دولت دوازدهم هستند. این‌که کابینه دولت دوازدهم چگونه چیده شود به عملکرد هر وزارتخانه در چهار سال دولت یازدهم مرتبط است. تقوی ادامه داد: علی طیب‌نیا، وزیر جوان و درس‌خوانده است و عملکرد او در چهار سال گذشته رضایت‌بخش به نظر می‌رسد. از سوی دیگر از نظر شخصیتی طیب‌نیا متواضع است و این مغرور نبودن او باعث شده اهل مشورت در حل مسایل اقتصادی کشور باشد. وی افزود: همچنین ولی‌الله سیف در چهار سال گذشته در بانک مرکزی کارکرده است و در کنار علی‌اکبر کامیجانی، توانست ترکیب قابل توجهی تشکیل دهد و این امر به کمک بانک مرکزی برای حل مشکلات اقتصادی آمده است. این کارشناس اقتصادی خاطر نشان کرد: وزارت صنعت دیگر عضو اقتصادی کابینه دوازدهم است که به نظر می‌رسد دولت قصد دارد از دل این وزارتخانه چند وزارتخانه درآورد. در این مورد تفکیک وزارت صنعت و معدن از تجارت می‌تواند اتفاق مبارکی برای اقتصاد کشور باشد. تقوی افزود: بار وظایف بازرگانی سنگین است و جمع‌کردن تمام این وظایف در یک وزارتخانه و انداختن وظیفه سه بخش مهم از اقتصاد کشور بر دوش یک وزیر درست نیست. نکته دیگر اینکه بازرگانی

ایران در شرایط کنونی باید متخصصان و اقتصاددانان بین‌المللی را جذب کند این در حالی است که صنعت و معدن یک تخصص دیگر است. این استاد دانشگاه تصریح کرد: سازمان برنامه و بودجه نیز بخشی از اقتصاد است که باید به آن پرداخته شود. این در حالی است که وضعیت آن فاجعه‌بار است. وی گفت: فاجعه از زمانی آغاز شد که در دولت احمدی‌نژاد مغز اقتصاد کشور را منحل کردند و یک سازمان بزرگ با متخصصان کارکشته را به یک دفتر زیر نظر ریاست‌جمهوری تبدیل کردند. احیای این سازمان پس از این فاجعه کار سختی بود. تقوی ادامه داد: پیرو این اتفاق تمام متخصصان این سازمان پراکنده شدند و نیروهای آموزش‌دیده‌ای که زیردست قدیمی‌ها رشد کرده بودند، از سازمان برنامه و بودجه رفتند و جمع‌کردن بدنه کارشناسی آن‌هم کارشناسان زبده گذشته در این سازمان کاری زمانبر و سخت‌تر است. این اقتصاددان تاکید کرد: در دولت روحانی سازمان برنامه احیا شد که البته هنوز به شرایط خوبی نرسیده است. همچنین جواد ظریف، وزیر امور خارجه با تلاش بسیار توانست برجام را به سرانجام برساند؛ اقدامی که به‌طور حتم در اقتصاد داخلی و خارجی موثر بود. لذا به نظر می‌رسد در چهار سال گذشته وزرای قوی در بدنه اقتصادی داشتیم و امیدواریم روند کار در دولت دوازدهم به همین ترتیب ادامه پیدا کند.

حذف قوانین دست و پاگیر و زائد

از سوی دیگر رییس‌کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی با برشمردن انتظارات شبکه بانکی اعلام کرد: اصلاح قوانین و مقررات، اصلی‌ترین انتظار بانک‌های خصوصی کشور از دولت دوازدهم و نمایندگان مجلس در چهار سال آینده است. کوروش پرویزیان با تاکید بر ضرورت اصلاح قوانین و مقررات بانکی در دولت دوازدهم، گفت: شبکه بانکی کشور و به خصوص بانک‌های خصوصی انتظار دارند با آغاز رسمی فعالیت دولت دوازدهم، شرایط برای اصلاح قوانین و مقررات حاکم بر بازار پول و بانکداری کشور فراهم شود. دولت و مجلس باید در راستای مقررات‌زدایی، حذف قوانین دست و پاگیر و زائد، حذف قوانین غیرمنطقی و خلاف عرف بانکداری جهان و اجرای قوانین و مقررات بر زمین مانده که امکان تقویت توانایی بانک‌ها در حمایت از تولید می‌شود، اقدام کنند. مدیرعامل بانک پارسیان افزود: ابهام‌زدایی از سیاست‌های عمومی کشور در حوزه اقتصاد به ویژه سیاست‌های پولی و مالی، اصلاح ساختار کارمزد خدمات بانک‌های کشور، افزایش درآمد بانک‌ها از محل کارمزدها و کاهش فشار بر بخش تسهیلات‌دهی برای تامین هزینه‌های بانک‌ها، بخشی از انتظارات نظام بانکی از دولت دوازدهم است. پرویزیان گفت: تجدیدنظر در سیاست‌های نظام پرداخت الکترونیک و مناسبات بانک‌ها برای تسریع و تسهیل حضور بانک‌های کشور در نظام بین‌المللی پرداخت‌ها و اتصال شبکه بانکی کشور به شبکه پرداخت جهانی، حمایت از صنعت پرداخت در داخل و خارج کشور، همچنین بهبود اعتبارات بین‌بانکی و نظام سندیکایی بانک‌های کشور و... بخش دیگری از انتظارات شبکه بانکی است که در صورت تحقق در دولت دوازدهم، جایگاه بانک‌های ایران را در جهان و ارائه خدمات نوین مالی ارتقا خواهد داد. رییس کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی ادامه داد: دولت برای مقاوم‌سازی اقتصاد و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، باید زمینه توانمندسازی کسب‌وکارهای بانکی را فراهم کند تا بانک‌های خصوصی در کنار بانک‌های دولتی بتوانند خدمات‌رسانی بهتر و بیشتری به مردم داشته باشند. وی گفت: موادی از قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر وجود دارد که اجرای آن به توان بانک‌ها در حمایت از تولید و اشتغال کمک خواهد کرد. اصلاح برخی قوانین از جمله برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالانه می‌تواند به بهبود فضای بانکی و بازار پول کشور کمک کند. در مقابل برخی مواد از جمله در برنامه ششم توسعه و بودجه‌های سالانه وجود دارد که برخلاف مسیر توانمندشدن بانک‌ها عمل می‌کنند و باید حذف شوند. وی تاکید کرد: شبکه بانکی کشور باید در جهت عرف و استانداردهای بین‌المللی بانکداری جهان و نظام‌های مالی، بانکی و پولی حرکت کند و همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز تاکید کرده‌اند بانک‌ها باید از برنامه‌های دولت حمایت کنند.

آماده سازی فضای اصلاحات ساختاری

یک کارشناس اقتصادی نیز در ارزیابی کارنامه چهارسال دولت دوازدهم، گفت: توفیق دولت دوازدهم در کنترل تورم، تمام بخش‌های اقتصادی ایران را تحت تاثیر مثبت قرار داد. هادی حق‌شناس، درباره کارنامه دولت روحانی در حوزه اقتصاد گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت دوازدهم در عرصه اقتصاد کارنامه موفقی را به جا گذاشته است اما آنچه در این حوزه از اهمیت بالایی نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار است، مهار تورم در این دوره بود که نه تنها اقتصاد که خلق و خو و رفتار اجتماعی ایرانیان را نیز تحت تاثیر قرار داد.

او عملکرد صنعت نفت را درخشانترین عملکرد در میان وزارتخانه‌های دیگر توصیف کرد و گفت: وزارت نفت، بهترین دوران خود را در چهار سال گذشته پشت سر گذاشته است. البته اگر برجام نبود امروز ایران به جای صادرات دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت، باید به صادرات ۲۰۰ هزار بشکه‌ای نفت بسنده می‌کرد. طبیعی است که می‌توان با مقایسه‌ای میان این دو رقم، حجم درآمدهای ارزی کشور را حدس زد. نماینده پیشین مردم انزلی در مجلس شورای اسلامی، خاطرنشان کرد: در چهارسال گذشته، نه تنها بازپس‌گیری بازارهای از دست رفته نفت اتفاق بسیار مهمی بود، بلکه افزایش تولید در پارس‌جنوبی و رسیدن به شریک ایران در این میدان، یعنی قطر از منظر سطح تولید نیز اتفاق سرنوشت‌ساز دیگری محسوب می‌شود که باید به آن توجه کرد. این کارشناس اقتصاد با تاکید بر اینکه دولت یازدهم مهم‌ترین توفیق خود را در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد به دست آورد، خاطرنشان کرد: البته لازم است در سال‌های پیش رو دولت برنامه‌ای برای کاهش مداخلات گسترده در بازار ارز را در دستور کار قرار دهد چرا که مشخصا تداوم این سیاست ممکن است تبعات اقتصادی منفی برای کشور به همراه آورد. او ادامه داد: عملکرد دولت یازدهم در دو سال ابتدایی فعالیت خود، در بازار ارز بسیار مثبت بود چرا که توانست ثبات را به این بازار برگرداند اما در دو سال پایانی فعالیت، مداخلاتی برای پیشگیری از رشد قیمت در این بازار اتفاق افتاد. به نظر می‌رسد لازم است دولت شرایط را برای واقعی شدن قیمت ارز فراهم آورد.

حق‌شناس تلاش برای اصلاح نظام بانکی کشور را از مهم‌ترین اولویت‌های پیش روی دولت دوازدهم خواند و گفت: اتفاقاتی که در چهار سال گذشته رخ داد، فضا را برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد آماده کرده است. از این رو می‌توان امیدوار بود که دولت دوازدهم بتواند این جراحی مهم را در سال‌های فعالیت خود به انجام برساند.

روزنامه دنیای اقتصاد / شنبه ۹۶/۰۵/۱۴ شماره ۴۱۱۰ صفحه ۲

در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

مسیر علاج بهره‌وری صنعتی

دنیای اقتصاد: تحلیل‌های کارشناسی نشان می‌دهد یکی از عوامل موثر در بهره‌وری صنایع تولیدی ایران توجه به تعادل یا عدم تعادل‌های منطقه‌ای است. بر این اساس شناسایی تمایزات منطقه‌ای در بهره‌وری صنایع تولیدی، زمینه سیاست‌گذاری‌های صحیح صنعتی در راستای کاهش شکاف بین مناطق را فراهم می‌سازد. با وجود اینکه در ادبیات اقتصادی، دلایل متعددی برای وجود نابرابری‌های منطقه‌ای ارائه شده، اما شاید بتوان نابرابری‌های موجود در بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را از جمله مهم‌ترین دلایل وجود چنین نابرابری‌هایی محسوب کرد. این در حالی است که نتایج مطالعات تجربی نیز دلالت بر آن دارد که بهره‌وری، بسیاری از متغیرهای اقتصادی را در سطوح ملی و منطقه‌ای تحت تاثیر قرار می‌دهد.

با چنین رویکردی و همسو با سایر کشورهای جهان، در ایران نیز بهره‌وری و افزایش آن در ردیف اهداف سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه قرار گرفته است. محاسبه و مقایسه «بهره‌وری نیروی کار» و «سرمایه صنایع تولیدی استان‌های ایران» طی یک دوره ۱۰ ساله (۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲) نشان می‌دهد مسیر برنامه‌های توسعه تاکنون بدون حصول موفقیت سپری شده است. این در حالی است که کاهش شکاف بین مناطق و کاستن از نابرابری‌ها از جمله مهم‌ترین اهداف مندرج در سند چشم‌انداز و تمامی برنامه‌های توسعه کشور بوده است. «وجود دامنه تغییرات زیاد در نرخ بیکاری»، «نرخ تورم»، «درآمد سرانه» و «ضریب جینی استان‌های کشور» به روشنی این موضوع را تایید می‌کند که ایران در یک دهه اخیر به ساختار فضایی مناطق بی‌توجه بوده است؛ بی‌توجهی که باعث ایجاد چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای در حال توسعه و از قضا یکی از موانع اصلی در روند توسعه اقتصادی در دنیا به شمار می‌رود. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد هرچند در سال‌های ابتدایی دوره مورد بررسی، تمایزات منطقه‌ای در بهره‌وری نیروی کار و سرمایه استان‌ها قابل توجه بوده، اما با گذشت زمان از دامنه تغییرات آن کاسته شده و استان‌ها به سمت همگنی بیشتر حرکت کرده‌اند. همگنی که «سطح پایین بهره‌وری نیروی کار» و «سرمایه» را به وجه مشترک تمام استان‌های ایران طی ۱۰ سال اخیر تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که همواره نیمی از استان‌ها در گروه استان‌های با بهره‌وری کم و بسیار کم قرار دارند و تعداد انگشت‌شماری از استان‌ها نیز در گروه استان‌های ناهمگن جای گرفته‌اند.

در پژوهش پیش‌رو که از سوی «فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی» وزارت اقتصاد منتشر شده، اهمیت نابرابری‌های منطقه‌ای در بهره‌وری صنایع تولیدی در اقتصاد ایران مورد واکاوی قرار گرفته است. در این پژوهش به

تصمیم‌سازان اقتصادی توصیه می‌شود، در جهت «افزایش بهره‌وری نیروی کار»، «سرمایه صنایع تولیدی استان‌ها» و «توزیع منابع باتوجه به امکانات و محدودیت‌های هر استان» و به منظور کاهش نابرابری‌ها و دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای برنامه‌ریزی‌های مدونی انجام دهند؛ چرا که این موضوع باتوجه به آغاز برنامه ششم توسعه، دارای اهمیتی دوچندان است.

ریشه‌های نابرابری

در ادبیات اقتصادی، نابرابری‌های منطقه‌ای زمینه ایجاد چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرده و این موضوع یکی از موانع اصلی در روند توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. بنابراین نابرابری‌های منطقه‌ای از جمله مسائل نگران‌کننده در بیشتر کشورهای جهان از جمله ایران به شمار می‌رود. بر این اساس، یکی از اقدامات ضروری برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی و یکی از مهم‌ترین وجوه نابرابری‌های اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه است. این در حالی است که امروزه، اهمیت بهره‌وری به‌عنوان یکی از ضرورت‌های رشد و توسعه اقتصادی و کسب برتری رقابتی برای تمامی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه روشن است. در این میان نتایج مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهد در کشورهای توسعه‌یافته، رشد اقتصادی بیش از آنکه ناشی از انباشت عوامل تولید باشد، ناشی از افزایش بهره‌وری عوامل تولید بوده است. در همین راستا، کاهش شکاف بین مناطق و کاستن از نابرابری‌ها از جمله مهم‌ترین اهداف مندرج در سند چشم‌انداز و تمامی برنامه‌های توسعه بوده است. براساس این گزارش، در سند چشم‌انداز بر گسترش «عدالت اجتماعی» و «تعادل‌های منطقه‌ای» تاکید شده و در برنامه اول؛ توسعه بخش‌های محروم و تعادل‌های منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در برنامه دوم؛ بر «ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای» تاکید شده و در برنامه سوم؛ به «گسترش عدالت اجتماعی»، «ایجاد تعادل» و «کاهش نابرابری‌ها» اشاره شده است. از سوی دیگر در برنامه چهارم؛ «کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی» مورد توجه قرار گرفته و در برنامه پنجم نیز به «کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای» توجه شده است. با وجود این، شواهد موجود دلالت بر آن دارد که مسیر برنامه‌های توسعه بدون حاصل شدن موفقیت سپری شده است. باوجود اینکه تاکنون و در مطالعات بی‌شمار دلایل متعددی برای وجود نابرابری‌های منطقه‌ای ارائه شده است، شاید بتوان نابرابری‌های موجود در بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را از جمله مهم‌ترین دلایل وجود چنین نابرابری‌هایی برشمرد. این در حالی است که نتایج مطالعات تجربی نیز دلالت بر آن دارد که بهره‌وری، بسیاری از متغیرهای اقتصادی را در سطوح ملی و منطقه‌ای تحت تاثیر قرار می‌دهد. با چنین رویکردی و همسو با سایر کشورهای جهان، در ایران نیز بهره‌وری و افزایش آن در ردیف اهداف چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه قرار گرفته است.

خطمشی برنامه‌ها

مطالعات صورت گرفته در این پژوهش بیانگر این موضوع است که در سند چشم‌انداز بر ایجاد سازوکار مناسب برای رشد بهره‌وری عوامل تولید تاکید شده است. هدف برنامه اول، «افزایش سالانه بهره‌وری نیروی کار» به میزان ۵/۲ درصد بوده و در خطمشی‌ها و سیاست‌های کلی برنامه دوم، به «افزایش بهره‌وری» توجه شده است. اما در برنامه سوم به «بهره‌وری و لزوم افزایش آن» اشاره شده و در برنامه چهارم هم با تاکید بر «لزوم تحول کشور از یک اقتصاد نهاده‌محور به یک اقتصاد بهره‌محور»، سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد تولید ناخالص داخلی حداقل ۳۱/۲ درصد در نظر گرفته شده است. همچنین در برنامه پنجم نیز بر «ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی» تاکید شده است. اما علاوه بر بهره‌وری، اهمیت بخش صنعت نیز در سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه برجسته شده است. در سند چشم‌انداز گسترش فعالیت‌های اقتصادی در بخش صنعت مورد توجه قرار گرفته است. هدف برنامه اول، «رشد سالانه بخش صنعت به میزان ۱۴/۲ درصد» و هدف برنامه دوم، «تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام بخش صنعت» بوده است. در برنامه سوم، به «توسعه بخش صنعت از طریق اجرای طرح‌های جدید و افزایش سرمایه» و در برنامه چهارم به «توسعه بخش صنعت از طریق توسعه رقابت‌پذیری» تاکید شده است. در برنامه پنجم نیز به ارتقای رقابت‌پذیری بخش صنعت و افزایش صادرات صنعتی اشاره شده است.

دو نگاه متفاوت

ارزیابی این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان نابرابری‌های منطقه‌ای در نماگرهای اقتصادی را از منظر دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. در حالی برخی نابرابری‌های اقتصادی را پدیده‌ای منفی می‌دانند که برخی دیگر آن را پدیده‌ای مثبت ارزیابی می‌کنند. «گروه اول» معتقدند نابرابری‌های منطقه‌ای به دلیل «عدم استفاده صحیح از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مناطق» است. در سوی دیگر این گود، «گروه دوم» نابرابری‌های منطقه‌ای را نتیجه «منحصر به فرد بودن منابع و قابلیت‌های

برخی مناطق در مقابل سایر مناطق» می‌دانند که می‌تواند برای آنها مزیت رقابتی ایجاد کند. این در حالی است که برخی اقتصاددانان بر این باورند که اگر نابرابری‌های منطقه‌ای در نتیجه تخصصی شدن فعالیت‌های در یک منطقه باشد، می‌تواند مفید باشد. از دیدگاه آنان نابرابری‌های منطقه‌ای زمانی مضر است که منعکس‌کننده تبعیض در بین مناطق باشد. در این بین، مطالعات اندکی نیز در زمینه بررسی بهره‌وری صنایع تولیدی در سطح استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱ انجام شده است. در این مطالعات اقدام به سنجش بهره‌وری بخش‌های مختلف اقتصادی در استان‌های کشور شده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که بیشترین بهره‌وری نیروی کار و سرمایه به ترتیب مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و هرمزگان و کمترین بهره‌وری نیروی کار و سرمایه به ترتیب مربوط به استان‌های گلستان و زنجان بوده است.

با این حال نتایج مطالعات انجام شده در این پژوهش که پس از محاسبه «نرخ استهلاک سرمایه‌های ثابت» و «موجودی سرمایه صنایع تولیدی استان‌ها» به دست آمده، نشان می‌دهد در سال‌های ابتدایی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲، تمایزات منطقه‌ای در بهره‌وری نیروی کار و سرمایه استان‌های ایران قابل توجه بوده، اما با گذر زمان از دامنه تغییرات آن کاسته شده و استان‌ها به سمت همگنی بیشتر حرکت کرده‌اند. به‌گونه‌ای که همیشه نیمی از استان‌ها در گروه استان‌های با بهره‌وری کم و در این میان تنها چند استان در گروه استان‌های ناهمگن (با بهره‌وری بسیار زیاد) جای می‌گیرند. علاوه بر آن، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه بیشتر استان‌ها کمتر از میانگین کشور بوده و در بسیاری از استان‌ها، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال‌های مختلف کاهش یافته است. بر این اساس، از نظر سیاست‌گذاری، یافته‌های پژوهش مبین لزوم برنامه‌ریزی در جهت افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه تولیدی استان‌ها و توزیع منابع با توجه به امکانات و محدودیت‌های هر استان به منظور کاهش نابرابری‌ها و دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای بوده و این موضوع در برنامه ششم توسعه باید مورد توجه واقع شود.